



رهبر انقلاب:
بسپج، ثروت بزرگ و ذخیره
خداداد ملت ایران است

۲



پنجشنبه ۶ آذر ماه ۱۳۹۹ ■ ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۴۲ ■ ۲۶ نوامبر ۲۰۲۰ ■ سال چهاردهم ■ شماره ۳۷۱۶ ■ ۸ صفحه
http://www.sorkhab.ir ISSN 2008 - 1014



امام جمعه تبریز:
بسپج مداحان فعالیت‌های
فرهنگی را بسط دهد

۳

سرخط خبرها

دخالت

هیات رئیسه مجلس

در کار دولت

۲

دستگاه قضائی پا

تصرفات حریم رودخانه‌ها

پر خوردمی کند

۳

دوروی

سکه ازدواج

در عصر کرونا

۵

موش

آزمایشگاهی شدن

پیمارانِ صحت ندارد

۵

حرف اول

دریای دوغ و خبرهای
کلیشه‌ای...!

کیومرث پهماسبی

اگر کسی خبرهای رادیو و تلویزیون را دنبال کند؛ بی شک از خودش می‌پرسد، چرا این همه ما نگران احوالات و زندگی آمریکاییان و اروپاییان هستیم؟ ولی ذره ای از این نگرانی در مورد خودمان و همسایگانمان در اخبار روزانه دیده نمی شود.

مثلا پوشش خبری همین بیماری کرونا را ملاحظه بفرمایید. ما به جزئیات تمام و بطور موسع خبرهای اروپا و آمریکا را پوشش می‌دهیم و نداشتن تخت خالی در تک تک بیمارستان‌ها، دستگاه ونتیلاتور، نبود کپسول‌های اکسیژن، نداشتن آمبولانس، هزینه‌های سرسام آور برای مردم، عدم پوشش بیمه‌های سلامت، عدم رسیدگی به احوال بیکاران و کارتن خواب‌ها، سقوط روزانه بورس، شرایط نابسامان اقتصادی، فروپاشی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، بی کفایتی مدیران و مسئولان، موج بیکاری و ده‌ها مورد دیگر را روزانه در چند بخش خبری مفصلاً ادا می‌کنیم. ولی از اوضاع مردم خودمان کمتر حرف به میان می‌آید و فقط از باب خالی نبودن عریضه به یک خبر یک دقیقه‌ای از طرف خانم سخنگو می‌پردازیم و در آغاز خبر هم با گزارش‌های تکراری و طلبکارانه هرچه کاسه کوزه است بر سر مردم بیچاره می‌شکنیم؛ و دولت محترم را از هر قصوری مبرا می‌کنیم.

من مانده ام چرا ما این همه نگران اوضاع اروپا و آمریکا هستیم؟ این نگرانی از سر انسانیت و نوع دوستی است یا قصد تحقیر و کوچک کردن آن جماعت را داریم یا اینکه می‌خواهیم توانایی‌های خودمان را با کل اروپا و آمریکا مقایسه کنیم؟

باور کنید نیت هرچه باشد مخاطب این نوع اطلاع رسانی را دوست ندارد و صدها راه دیگر پیدا می‌کند تا به اطلاعات واقعی و درست تری دست یابد. او از خود می‌پرسد چرا هیچ نام و نشانی از پاکستان و ترکیه که همسایه‌های خیلی مشابه ما هستند، نیست؟...

ادامه در صفحه دو

فائقی: هیچ باشگاهی تابع قوانین سود و زیان نیست

ارتزاق فوتبال ایران از جیب مردم

سعید فائقی می‌گوید: برخلاف تصورات عموم باشگاه‌های صنعتی از بودجه دولتی ارتزاق نمی‌کنند بلکه از جیب مردم هزینه‌های‌شان تأمین می‌شود و قضیه به این صورت است که این کارخانه‌های صنعتی محصولی را تولید و به فروش می‌رساند که قیمت تمام شده برای این محصولات وجود دارد که هزینه‌های باشگاه ورزشی آن کارخانه صنعتی هم در دل این قیمت تمام شده وجود دارد. در واقع این باشگاه‌های صنعتی پول را از مردم می‌گیرند

صفحه ۷

نه می‌گذاشتند آواز بخواند، نه تدریس کند نه آثارش را ضبط کند

اقبال آذر در تبریز ماند تا صحنه برای حسودان خالی باشد

صفحه ۴



عکس: آرشو - سorkhab

دود گرانی «نان» به چشم همه می‌رود با «آنالیز قیمت نان» مخالفیم!

ایلنا- عبدالله بلواسی یک فعال صنعتی کارگران خباز تشریح کرد: وقتی از آنالیز قیمت نان سخن می‌گویند، معمولاً قیمت نان به صورت سرسام‌آوری گران می‌شود.

«آنالیز قیمت نان» عبارتی آشنا برای مردم است که بارها قبل از گران شدن نان از زبان مسئولان مربوطه شنیده‌اند. اگرچه تثبیت قیمت نان یکی از سیاست‌های دولت‌ها است ولی در سال‌های اخیر شاهد افزایش چندباره قیمت نان بوده‌ایم. هر بار پیش از گران شدن قیمت نان، با اظهارنظرهای مختلفی از سوی مسئولان روبرو می‌شویم که وعده‌ی تثبیت قیمت نان را می‌دهند اما این سخنان در حد وعده می‌ماند و گاهی قیمت نان ۵۰ درصد افزایش می‌یابد.

یزدان سیف (مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران) چهارم آذرماه درباره آنالیز قیمت نان گفت: با توجه به افزایش هزینه‌های حمل و نقل آرد و دستمزد کارگران و سایر نهاده‌ها و آیت‌های مؤثر در تولید، به استانداران سراسر کشور اختیار داده شده است تا نسبت به بررسی و آنالیز قیمت تمام شده هر کدام از نان‌ها با هماهنگی سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان اقدام نمایند.

عبدالله بلواسی (فعال صنعتی کارگران خباز مریوان و سروآباد) در این رابطه می‌گوید: حقیقت این است، وقتی از آنالیز قیمت نان سخن می‌گویند، قیمت نان به طور سرسام‌آوری گران خواهد شد. اگرچه با افزایش قیمت نان دستمزد کارگران خباز افزایش خواهد یافت ولی

گران شدن نان راه چاره نیست. وقتی که قیمت نان گران می‌شود بازهم قشر کارگر نسبت به افشار دیگر بیشتر آسیب خواهند دید.

این فعال کارگری توضیح داد: اگر قرار است افزایش دستمزد کارگران نانوايي‌ها و هزینه‌های حمل و نقل را مردم بپردازند، شاید باید قیمت نان ۵۰ درصد افزایش یابد. اگر دولت بخواهد آرد را با همان قیمت قبلی در اختیار نانوايي‌ها قرار دهد، قیمت نان لواش ۲۵۰ تومانی، حداقل ۵۰۰ تومان خواهد شد و این احتمال وجود دارد، نان لواش از ۵۰۰ تومان نیز گران‌تر شود.

او با اشاره به افزایش هزینه‌های نانوايي‌ها گفت: هزینه‌های جاری کارفرما مثل آب، برق و گاز و تأمین اجتماعی افزایش یافته است. افزایش هزینه‌های نانوايي‌ها را نمی‌توان انکار کرد ولی افزایش قیمت نان و پرداخت هزینه‌ها از سوی مردم راه چاره نیست. دولت می‌تواند با پرداخت یارانه به نانوايي‌ها کمک کند و قیمت نان را ثابت نگه دارد.

بلواسی در پایان درخصوص حمایت از کارگران خباز گفت: پیش از این به کارگران نانوايي بن کالا می‌دادند ولی در حال حاضر آنها از این بن‌ها برخوردار نیستند، دولت می‌تواند این بن‌ها را دوباره برقرار کند. اگر دولت بخواهد بن در اختیار کارگران خباز قرار دهد، باید اجناسی که به کارگران خباز می‌دهند در شان خانواده‌های آنها باشد نه اجناسی که در انبار مانده است. اهدای بن به کارگران خباز، یک راهکار کمکی برای تثبیت قیمت نان است.

تیتروار

روحانیون قدیمی دوباره باز می‌گردند؟

این روزها شایعه آغاز به کار دوره جدید شورایعالی سیاستگذاری اصلاح طلبان با دستور خاتمی و ریاست موسوی خویینی‌ها بیشتر از همیشه شنیده می‌شود. پیش از این موسوی خوئینی‌ها در بیانیه‌ای از اصلاح طلبان خواسته بود برای انتخابات ۱۴۰۰ برنامه ریزی کنند

۲

«فوران» بداخلاقی در فوتبال ایران

خشم و بداخلاقی حالادو عنصری است که در رگ‌های فوتبال ایران جریان دارد و باشگاه‌ها آن را از طریق مصاحبه‌ها و بیانیه‌هایشان به جامعه پمپاژ می‌کنند. به راستی مسئول این اتفاقات ضدفرهنگی کیست؟

۷

ضربه عمیق کرونا به سینما

رئیس حوزه هنری آذربایجان شرقی گفت: با تمامی تلاش‌هایی هم که کردیم، حمایتی اعمال نشد و در بحث محدودیت‌ها نیز سینما، به عنوان یک محل خاص درنظر گرفته نشد

۸

SPEEDY

Motor Oil

هیجان تغییر

POWER

20W-50 API SJ/CF | 10W-40 API SJ/CF

شرکت نفت سپاهان

ما به آینده فرهنگی شهرمان امیدواریم
شما چطور؟

روزنامه سorkhab در شمال غرب کشور
نماینده فعال می‌پذیرد

شماره تماس: ۰۹۱۲-۶۶۵۶۷۷۶۷-۰۲۱
۰۹۱۲۱۸۳۸۵۳۷

سازمان جذب آگهی‌ها

شماره تماس: ۰۴۱-۳۵۵۵۳۵۳۸-۰۴۱
۰۹۳۹۳۰۴۳۵۱۰

نقد

خاتمی،کروبی وموسوی خوئینی هابه فکر رهبری دوباره اصلاحات

روحانیون قدیمی دوباره بازمی‌گردند؟

میثم سعادت

این روزها شایعه آغاز به کار دوره جدید شوراییعالی سیاستگذاری اصلاح طلبان با دستور خاتمی و ریاست موسوی خویینی‌ها بیشتر از همیشه شنیده می‌شود. پیش از این موسوی خوئینی‌ها در بیانیه‌ای از اصلاح طلبان خواسته بود برای انتخابات ۱۴۰۰ برنامه ریزی کنند.

مصطفی‌هاشمی طبا هم اخیراً گفته «فکر می‌کنم دعوت مردم به انتخابات کفایت نمی‌کند، اما اگر خود آقای خاتمی نامزد انتخابات شود، حتماً رای می‌آورد.» همزمان محمد علی ابیطحی نیز در صفحه اینستاگرام خود از برگزاری جلسات مجمع روحانیون سخن می‌گوید و از فعال تر شدن این تشکیلات در آستانه انتخابات.

مهدی کروبی نیز از حصر برای اصلاح طلبان پیام فرستاده که هیچ راهی به جز تغییر از طریق صندوق‌های رای نیست. او در پیامی که محمد قوچانی از او نقل کرده، گفته «اول باید به بازسازی اصلاحات بپردازیم و آنگاه اصلاح حاکمیت... اما تا دایم اصلاحات و اصلاح حاکمیت راهی جز انتخابات ندارد.»

اصلاح طلبان چشم به بزرگان خود دوخته‌اند تا ببینند آنها چه می‌گویند؛ بزرگانی که اتفاقاً همه روحانی هستند؛ از موسوی خویینی‌ها گرفته تا سید محمد خاتمی و مهدی کروبی.

هرچقدر اصلاح طلبان هنوز به روحانیون ارشد خود اعتماد دارند، ماجرا در جریان اصولگرا برعکس است؛ بر خلاف تصور عامه، این اصولگرایان بودند که برای اولین بار ریاست مجلس را به دست یک غیر روحانی دادند و حداد عادل و بعد لاریجانی و قالیباف را به صدر مجلس نشان‌دادند. باز هم این اصولگرایان بودند که بیست و چهار سال بعد از ریاست جمهوری روحانیون (آیت الله خامنه‌ای، آیت الله هاشمی و سید محمد خاتمی) محمود احمدی نژاد را راهی پاستور کردند و جالب آنکه این اصلاح طلبان بودند که سال ۹۴ باردیگر قدرت را به روحانیون بازگرداندند. حالا برای انتخابات ۱۴۰۰، صرف نظر از ایراهیم رئیسی که تحت شرایطی خاص نامزد انتخابات خواهد شد، هیچ روحانی دیگری مطرح نیست.

در همه این سال‌ها، اما نقش نهادهای حزبی روحانیت در تهیه لیست‌های انتخاباتی موثر نبوده است؛ آثری که به نظر می‌رسد در انتخابات ۱۴۰۰ دیگر رنگی ندارد. در دوران افول محبوبیت روحانیت، در دورانی که راستگرایان محافظه‌کار مذهبی هم از روحانیت عبور کرده‌اند، در دورانی که جوانان اصلاح طلب دیگر امیدبی به صندوق‌های رای ندارند و سیاستمداران پیرتر آن به دنبال عبور از اسلام فقاhtنی هستند، باز هم نه روحانیون ارشد اصولگرا، که قدیمی‌های اصلاح طلب و اعضای اثرگذار مجمع روحانیون به فکر آن افتاده‌اند که محور اصلاح طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ باشند. در مقابل در جامعه روحانیت مبارز هم تغییراتی صورت گرفته است. گرچه در شورای مرکزی آن همچنان ورود زنان ممنوع است؛ چنانچه ورود غیر روحانیون به آن خط قرمز محسوب می‌شود، اما اخیراً ده چهره به شورای مرکزی آن اضافه شده‌اند که مهمترین آن‌ها صدرالدین شریعتی بوده است. از سویی دیگر از سال گذشته دبیرکل‌ی جامعه به مصطفی پورمحمدی نسبتاً جوان سپرده شد. فاصله میان صدرالدین شریعتی (شاخص‌ترین چهره دور جدید شورای مرکزی) و مصطفی پورمحمدی با چهره‌هایی مثل هاشمی رفسنجانی و مهدوی کنی، به خوبی افول جامعه روحانیت مبارز را نشان می‌دهد. جامعه روحانیت مبارز سطح عضوگیری خود را به جای نمایندگان مجلس و وزرا و دادستان‌ها، به ائمه جمعه شهرهای کوچک تقلیل داده است.

اصولگرایان در همه این سال‌ها با حسرت به محبوبیت و کاریزمای خاتمی و موسوی خوئینی‌ها نگریسته‌اند. هیچ شخصیت سیاسی در میان اصولگرایان تا این اندازه محبوبیت فراگیر ندارد. اما آیا این محبوبیتی می‌تواند در انتخابات ۱۴۰۰ تاریخ‌ساز شود؟

روحانیون چگونه از مرکز تصمیم‌گیری سیاسی حذف شدند؟

چهل و دو سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد. انقلابی که در بدو تاسیس، رهبرانیش اصرار داشتند روحانیون در مسئولیت‌های اجرایی قرار نگیرند و در همان سال‌های اول، کلید ریاست قوه مجریه را به دیگران سپردند. ریاست دولت مهندس بازرگان و ابوالحسن بنی‌صدر و شهید رجایی اتقدیر کوتاه بود که جز خاطره‌ای از آن دوران چیزی برای مردم باقی نمانده است. بعد از آن، اما شرایط به شکلی تغییر که تا سال‌های سال، قدرت در ایران در اختیار روحانیت قرار گرفت؛ از ریاست جمهوری تا مجلس و از قوه قضائیه تا شورای نگهبان.

هرچند تصاحب قدرت منافع چشماری برای روحانیون داشته اما آن سوی ماجرا انتقاداتی است که به روحانیون می‌شود؛ تا آنجا که مرجع تقلیدی مثل آیت الله شبیری زنجانی هشدار می‌دهد «الان اختلافی بین طلبه و غیر طلبه در جامعه رخ دهد، چرا خیلی‌ها حداقل قسمتی از مشکل را از جانب طلبه می‌دانند؟ چون محبوبیت طلبه‌ها کم شده است، این‌ها مصیبت‌هایی است که اگر چه سخت است، اما باید قبول کرد.»

آیت الله شبیری زنجانی ورد طلبه‌ها به مسائل سیاسی، پایین بودن سطح سواد طالب و کم شدن تقوا را عامل نزول جایگاه روحانیت می‌داند. گرچه بسیاری نقش اول را بر پرنگ‌تر می‌دانند. مصطفی درایتی می‌گوید «تا زمانی که روحانیت نتواند تعریف جدیدی برای خود ارائه کند، لوازم آن را فراهم و عوارض آن را هم بپذیرد و ضح همین است و باید انتظار داشته باشیم که عدم اعتماد مردم افزایش پیدا کند.» مقصود فراستخواه درباره افول جایگاه روحانیت معتقد است «یک مشکل علمای دین بی اعتنایی به تغییر است مثل اینکه هنوز بخشی از آن‌ها در تغییر در این عالم بیخبر هستند. طبقات متوسط جدید شهری، بخش بزرگی از تهیدستان شهری، بخش بزرگی از تنگ دستان در جامعه و بخش بزرگی از جامعه به نوعی به برخی علمای دینی بی اعتماد شدند و گاهی هم نمی‌توانند بین علمای دین مستقل و علمای دین حکومتی تفکیک دهند و در نتیجه متأسفانه بعضاً به اصل علمای دینی بدبین و بی‌اعتماد شدند، یعنی می‌توانم بگویم که نهاد روحانیت مرتب در حال از دست دادن سرمایه اجتماعی و اعتماد جامعه و پیوند طبیعی خود با مردم ومسئولیت‌های اجتماعی و بی‌ان و عملکرد اصیل و مردمی است.»

نکته مهم در صحبت‌های مقصود فراستخواه اینجاست که عموماً در انتخابات ایران، رقابت برای جذب آرای طبقه متوسط شهری و تهیدستان شهری، میان اصلاح طلبان و اصولگرایان شکل می‌گیرد و حالا هر دو جناح برای حفظ کف رای خود در از تعداد روحانیون کمتری در لیست‌های خود استفاده می‌کنند.

در همین یک سال گذشته، کنشگری نیروهای اصولگرا موسوم به عد‌لتخواه بسیار موثرتر از کنشگری جامعه روحانیت مبارز بود و در جامعه بازتاب داشت. چنانچه در میان اصلاح طلبان هم جریان‌های اثرگذار، نه مجمع روحانیون که احزابی مثل اتحاد ملت و کارگزاران سازندگی هستند.

اگر در دهه هفتاد، این شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز در رقم بود که لیست انتخاباتی می‌نوشت، حالا آن‌ها به دنبال آن هستند که دست‌کم یک صندلی در میان تصمیم‌گیران اصولگرا داشته باشند! مصطفی پورمحمدی دبیرکل فعلی جامعه روحانیت مبارز اخیراً در میان اعضای مؤلفه (تنها حزبی که هنوز به جامعه روحانیت احترام می‌گذارد) به صراحت به این نزول جایگاه پرداخته بود و گفته بود «جامعه روحانیت ده‌دهش خاشیه‌نشینتی نیست، اما ما پدرسالار نیستیم و قصد آقابالاسری‌بودن نداریم.»

۲

رهبرانقلاب: مذاکره به نتیجه نرسید، مسیر خنثی سازی تحریم دنبال شود مشکل اقتصاد نداشتن راهکار نیست همت و پیگیری جدی نیاز است

تحریم‌ها دو مسیر «خنثی‌سازی تحریم‌ها و غلبه بر

آنها» و «رفع تحریم» وجود دارد، افزودند: البته ما مسیر رفع تحریم را یک بار امتحان و چند سال مذاکره کردیم اما به نتیجه‌ای نرسید.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به مسیر غلبه بر تحریم‌ها و بی‌اثر کردن آنها گفتند: این مسیر ممکن است در

ابتدای کار، سختی‌ها و مشکلاتی داشته باشد اما خوش‌عاقبت است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: اگر با تلاش و ابتکار و با سینه سپر کردن در مقابل مشکلات بتوانیم بر تحریم‌ها غلبه کنیم و طرف مقابل بی‌اثر شدن تحریم‌ها را ببیند، به‌تدریج دست از تحریم قش‌رها ی ضعیف خاطرنشان کردند: باید با همت

ایشان دو نکته مقدماتی خود را اینگونه جمع بندی کردند: ما ظرفیت‌ها و توانایی‌های فراوانی برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها داریم، به شرط آنکه بخواهیم و همت کنیم و به دل مشکلات برویم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سپس با بیان بعضی از راه‌حل‌های پیشنهاد شده کارشناسان و متخصصان در چهار سرفصل «کسری بودجه»، «افزایش سرمایه‌گذاری دولتی و نهادهای عمومی»، «جهش تولید» و «حمایت از قشرهای ضعیف» ابراز امیدواری کردند که با اجرای این راهکارها، آثار مثبتی در اقتصاد کشور و زندگی مردم پدید آید.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اینکه با وجود برخی کارها، شعار سال در حد انتظار تحقق نیافته، افزودند: کارشناسان بخشهای دولتی و غیردولتی برخی راهکارهای عملیاتی مشخص را برای جهش تولید پیشنهاد کرده‌اند از جمله: «افزایش تولید خودرو با اتکاء به ظرفیت قطعه‌سازان داخلی»، «افزایش تولیدات صنعت نفت باتکیه بر دانش بنیان کردن صنایع نفتی» و «افزایش تولید خوراک دام و دامنه‌های روغنی».

رهبر انقلاب همچنین بر «ضرورت حمایت از قشرهای ضعیف» تأکید کردند و افزودند: اقتصاد خانواده‌ها به علت رکود توری در چند سال اخیر به شدت تحت فشار بوده و اکنون نیز کرونا بر مشکلات افزوده و دشواری‌های جدی معیشتی برای گروههای زیادی از مردم به وجودآورده است که باید در این زمینه اقدامی

معاون وزیر و مدیرعامل شرکت ایپیدرو، معاون بنیاد مسکن، رئیس سازمان توسعه تجارت، مدیر عامل فرودگاه‌های کشور و معاون وزیر و مدیرعامل شرکت ساخت وزارت راه و شهرسازی خواسته است با توجه به سفر نیکزاد به خراسان شمالی، شخصا در این سفر نائب رییس مجلس شورای اسلامی را همراهی کنند.

باتوجه به اینکه رحمانی فضلی فرمانده قرارگاه پشتیبانی ستاد ملی مقابله با کرونا، مصوبات ستاد ملی کرونا را در حکم قانون عنوان و اعلام کرد که هر سه قوه مشمول محدودیت‌های کرونایی می‌شوند، اقدام اداره کل دفتر هیات رییس‌ه مجلس در بی اعتنایی به پروتکل‌ها و مصوبات ستاد ملی مقابله با کرونا در خصوص عدم انجام سفرهای غیرضروری جای تامل بوده و مشخص نیست ضرورت انجام این سفر به یکی از استان‌های در وضعیت قرمز چیست. نکته دیگر اینکه باتوجه به اصل تفکیک قوا، بر چه اساسی و از چه زمانی معاونین وزیر باید در هنگام سفر نمایندگان و هیات رییس‌ه مجلس، آنان را همراهی کنند.

دریای دوغ و خبرهای کلیشه‌ای...!

چنین کنیم و چنان، دریایی از دوغ خواهیم داشت که ما برای نیاز از نفت می‌کنند.

اگر واقعیا به همین سادگی بود، چرا با گذشت چهل سال هنوز هم محتاج فروش نفت ایم و خبرنگار محترم هم برای اندک حقوق حق الزحمه‌ای، خود را معطل کرده، تا کی دلی به رحم آید و به خیل عظیم کارمندی بپیوندد؟

استادی می‌فرمود: من از رویا، به خصوص رویاهای جمعی و ملی می‌ترسم. کودک‌ی خواب زیاد می‌دیدم و یک روز مادرم گفت: خوابگردی نشانهٔ کم عقلی است. فکر می‌کنم این سخن دربارهٔ رویاهای ملی نیز صادق است. رویای ملی در تحلیل نهایی چیزی جز شبه‌آگاهی‌ها ی در معنای رادیکال آن «آگاهی کاذب» نیست.

بین رویا و تعقل رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ هرچه رویا بیشتر، تعقل و تدبیر کمتر است. جامعه ما نه به رویاهای کلان، که محتاج دوکار مهم است، یکی زندگی امروز را نرمیم نماید و دوم اینکه حوزهٔ عمومی رابه خطیر رویاهای امروز و فردا هشدار دهد. و لذا،

من استادی شرط بلاغست با تومی گویم

مدرسی‌های بعدی او هم نخواهیم بود.

البته نه از نوع گزارش‌هایی که اخیراً مرسوم شده

و هر خبرنگاری با اندک مطالعه‌ای، می‌گوید اگر

■ **ایران و جهان** ■ **شهر** ■ **اخبار** ■ **جامعه** ■ **تقد** ■ **تحلیل**

اخبار

پیام رهبر انقلاب به مناسبت سالروز تشکیل بسیج مستضعفان:

بسیج، ثروت بزرگ و ذخیره خداداد ملت ایران است

ایسنا- در سالروز تشکیل بسیج مستضعفان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی بسیج را ثروت بزرگ و ذخیره خداداد ملت ایران خواندند.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی که سردار سرتیپ بسیجی محمد شیرازی رئیس دفتر فرماندهی معظم کل قوا آن را در ارتباط ویدئوکنفرانس با بسیج مراکز استانها و اقشار بسیج قرائت کرد، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

بسیج یادگار بزرگ و درخشان امام راحل، و مظهر اقتدار ملی، و نمایشگاه صفا و اخلاص و بصیرت و مجاهدت است.

در دفاع از کشور و استقلال و ثبات آن، در خدمات حیاتی با مقیاس گستره کشوری، در فعالیتهای پیشرو علمی و فناوریهای نوین، رئیس دفتر فرماندهی اعظم کل قوا آن را در ارتباط ویدئوکنفرانس با بسیج می‌شود و حضور بسیج جلوه می‌کند. ایمان و عزم و احساس مسئولیت و اعتماد به نفس، پایه‌های اصلی این توانایی‌ها و گره‌گشایی‌ها است و اینها خود نعمت‌ها و موهبت‌های خداوند است که باید با شکر الهی و مراقبت دائمی، آنها را حفظ کرد و بر آن افزود.

بسیج، ثروت بزرگ و ذخیره خداداد ملت ایران است. دشمنان این ملت، اکنون و همیشه در این اندیشه بوده‌اند و خواهند بود که آن را نابود یا بی‌اثر کنند. مسئولان سازمانی و یکایک بسیجیان عزیز خود را موظف به ابطال کید دشمن بدانند با توکل و اخلاص و برنامه‌ریزی به پیش روند. موفق باشید ان شاء الله.

سید علی خامنه‌ای

واکنش فرمانده کل سپاه به احتمال حمله نظامی آمریکا

باشگاه خبرنگاران جوان - سرلشکر سلامی گفت: ما تا آخر ماجرا که غروب مطلق دشمنان ماست ایستاده‌ایم و به پیروزی ایمان داریم و آن را تعقیب خواهیم کرد.

سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت سالروز تشکیل سازمان بسیج مستضعفین اظهار کرد: ما همه در کنار و در میان مردم هستیم و به امر رهبرمان بدون منت به آن‌ها خدمت می‌کنیم و این رسم و مرام بسیجی‌هاست.

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افزود: شرف، کرامت، جوانمردی، غیرت، ایثار و محبت و جمال بسیج امروز ماست، هم جلال الهی دارند و در مقابل دشمن شوکت الهی دارند، در مقابل مستکبران عظمت الهی دارند. در مقابل مستکاران، قلب‌هایشان به ذکر الهی آرام است.

سلامی تصریح کرد: آن‌ها از هیچ دشمنی نمی‌ترسند و در عین حال جمال رحمت و محبت هستند. زینت‌یافته به پاکی و طهارتند، اهل ایثارند و این رخساره معنوی بسیج ماست. دشمن از اینکه به فیزیک نظام ما ضربه بزند ناامید و مایوس است و (اعراض) کرده است. وی خاطرنشان کرد: جنگ نظامی از گزینه‌های دشمن خارج شده و این‌ها واقعیت است. دشمن روح متجاشخ نظام ما، مردم و دین مردم فرهنگ، معیشت و سلامت ما را هدف قرار داده است.

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اضافه کرد: بسیج در عرصه ایستاده است تا این ارزش‌های والای ملت تحت فرمان رهبر دفاع کند و این دفاع امروز برجسته‌ترین فراز تاریخ مقاومت ماست که در جریان است.

سلامی تأکید کرد: ما تا انتها ایستاده‌ایم و انتهای این ایستادگی زوال کامل دشمنی است که امروز می‌بینیم غروب را تجربه می‌کند و خورشید درخشان انقلاب ما در مرکز آسمان افتخار این ملت ایستاده است و نورافشانی می‌کند.

ترقی:

منع رهبری از شرکت در انتخابات ۱۴۰۰ شامل قالیباف نیست

ایرنا- «حمیدرضا ترقی» در پاسخ به سوّالی درباره حضور برخی از چهره‌ها و مقامات در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ گفت: منصوبین از جانب رهبر انقلاب برای کسب سمت خاص منع شده‌اند. باتوجه به اینکه حکم‌های مقام معظم رهبری معمولاً پنج‌ساله و سه‌ساله است، شرایط اقتضا می‌کند که فرد منصوب بتواند برنامه خود را به سرانجام برساند. عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی درباره احتمال حضور محمد باقر قالیباف در انتخابات گفت: قالیباف به‌عنوان نماینده مجلس منتخب مردم است و انتصابی از سوی رهبری در مورد ایشان صورت نگرفته است. بنابراین فکر نمی‌کنم ایشان مشمول چنین منعی باشد؛ مگر اینکه خود وی تشخیص دهد که جایگاهش در اجرارمکتب‌ت است یا مجلس.

امیری: رئیس جمهور شخصاً از نماینده‌ای شکایت نکرده است

معاون پارلمانی رئیس جمهور گفت: رئیس جمهور شخصاً از نمایندگان مجلس شورای اسلامی شکایت نکرده است. حسینعلی امیری در حاشیه جلسه امروز هیات دولت درباره شکایت رئیس جمهور از برخی نمایندگان مجلس اظهار کرد: رویکرد دولت شکایت نکردن از نمایندگان مجلس است و قطعاً رئیس جمهور شخصاً در این زمینه از نمایندگان مجلس شورای اسلامی شکایت نکرده است. وی ادامه داد: پیگیری این موضوعات در حوزه معاونت پارلمانی ریاست جمهوری نبوده و معاونت حقوقی در این زمینه پاسخگو خواهد بود.



سبحان مهدی‌پور: نه می‌گذاشتند آواز بخواند، نه تدریس کند نه آثارش را ضبط کند

اقبال آذر در تبریز ماند تا صحنه برای حسودان خالی باشد

■ وحید خانه‌ساز

سبحان مهدی‌پور می‌گوید: شیوه اقبال آذر بسیاری پیچیده است و اگر کسی بخواهد به کلیت و جزئیات این آواز پی ببرد و آن‌ها را مشق کند، باید زمان بسیاری صرف کند. در این میان اگر کسی به دنبال معروفیت و نام و نان باشد خیلی دیر به نتیجه می‌رسد؛ زیرا باید عمرش را صرف یادگیری شیوه اقبال آذر کند.

در سال‌های اخیر خوانندگان بسیاری بدون توجه به آواز ایرانی، آثاری را روانه بازار می‌کنند که صرفا مخاطب بدون تخصص موسیقی را برای آنها تضمین کرده باشد. این رویه در طولانی مدت مکاتب آوازی را به انزوا خواهد راند حال آنکه مکتب آوازی «اقبال آذر»؛ آطور که باید مورد توجه قرار نگرفته و همچنان در انزواست. در حال حاضر تنها بازمانده این مکتب کریم صالح عظیمی است که از محضر اقبال آذر کسب فیض کرده است. او در سال ۱۳۴۲ با اقبال آذر آشنا شده و تا آخرین روزهای زندگی این استاد نزد او بوده است.

ابوالحسن قزوینی یا به عبارتی اقبال آذر، زاده سال ۱۲۴۲، یکی از خوانندگان شیوه آوازی تبریز بوده و یکی از قوی‌ترین صداها را داشته و بیش از صد سال عمر کرده است. او با وجود کهولت سن تا سال‌های آخر زندگی با ذهنی باز و سالم به فعالیت در زمینه آواز می‌پرداخت. اقبال آذر که با بزرگانی چون درویش خان، علی‌اکبر شهنازی و غلامحسین بیگچه‌خانی تعامل داشته و با همراهی آن‌ها به اجرای برنامه پرداخته، در طول حیات خویش بی‌مهری‌های بسیاری دید و در نهایت شیوه کاملش به نسبت دیگر مکاتب آوازی، نادیده انگاشته شد.

در میان خوانندگان امروزی سبحان مهدی‌پور یکی از آوازخوانانی است که از ابتدای فعالیت تاکنون به مکتب آوازی اقبال آذر وفادار بوده و برای یادگیری این شیوه ده سال نزد کریم صالح عظیمی به یادگیری مقولات و مفاهیم مربوط به آن پرداخته است. با او درباره اهمیت مکتب آوازی «اقبال آذر» گفتگو کرده‌ایم.

شما جزو معدود افرادی هستید که درباره شیوه آوازی اقبال آذر پژوهش کرده‌اید حال آنکه مکتب او هیچگاه آنطور که باید مورد توجه قرار نگرفت، چرا؟

واقعیت این است که اگر بگویم شیوه آوازی اقبال آذر سالهاست مورد توجه نیست، گراف نگفته‌ام. قطعا اقبال آذر در موسیقی ایران جایگاه بسیار رفیعی دارد اما بسیاری از هنرمندان و حتی دوستانش به شیوه او نپرداخته و به عمق هنر این هنرمند بزرگوار پی نبردند.

من از شش، هفت سالگی آواز را شروع کردم و دو دوره ردیف طاهرزاده یا ردیف آوازی اصفهان یا هر نامی که دارد، را کار کردم. چهارده یا پانزده‌ساله بودم که برای اولین بار آوازی از اقبال آذر را شنیدم که در دستگاه «شور» بود. در آن مقطع هنوز نوار یا کاستی از ایشان منتشر نشده بود و آنچه شنیدم به صورت خصوصی ضبط شده بود و من آن روی نوار سونی داشتم. زمانی که آن آواز را شنیدم، شیفته آن شدم و واقعا به صدای استاد اقبال آذر ایمان آوردم، زیرا آن آواز و جواب‌ها بسیار زیبا و حیرت‌انگیز بود. آن زمان در استان مازندران و شهر بابل زندگی می‌کردم. به پدر و مادرم که هر دو فرهنگی و معلمند، گفتم می‌خواهم این شیوه را بیاموزم. پدرم که خوشنویس است و در کار خود ممتاز است، گفت اگر می‌خواهی شیوه اقبال آذر را یاد بگیری باید نزد استاد صالح عظیمی بروی که خودش نیز اهل تبریز است و آن حال و هوای لازم در خودش و کارش وجود دارد. پدر گفت باید به یکی از مراکزی بروی که آقای صالح کریمی در آنجا تدریس می‌کنند. در آن مقطع استاد صالح عظیمی در دانشگاه سوره و در تالار وحدت تدریس می‌کرد. پس از پیگیری‌های بسیار موفق شدم این استاد بزرگ را ملاقات کنم. از همان مقطع یعنی سال ۱۳۲۶ که پانزده، شانزده سال داشتم خدمت ایشان رسیدم و تا امروز از محضرشان کسب فیض کرده‌ام. البته به همین اتفاق اکتفا نکردم و پژوهش را درکنارش انجام دادم.

اقبال آذر در آواز ایران چه جایگاهی دارد و دلیل اهمیتش چیست؟

زنده‌یاد اقبال آذر به روایتی صد و چهار سال و به روایتی دیگر ۱۵۷ سال زندگی کرد و تا آخرین روزهای زندگی به فعالیت‌های هنری ادامه داد و آواز خواند که اسناد و مدارکی هم در این باره وجود دارد. اگر آوازهای ایشان را بشنویید و مصاحبه‌هاشان با رادیو در سنین پیری را مدنظر قرار دهید، متوجه درستی این حرف خواهید شد. اقبال آذر کسی است که با ویلون ناصر



زرآبادی؛ بیات ترکی را حیرت‌انگیز خوانده است. او با حدود صد سال سن «مناسب‌خوانی» کرده است؛ اینکه فردی با صد سال سن اشعار را در حافظه نگاه دارد و «مناسب‌خوانی» کند، کار هرکسی نیست. استاد اقبال آذر شعری از سعدی را خواند که «تا همه شهر بیایند و ببیند که ما / پیر بودیم و دگر باره جوان گردیدیم» یکی از ابیات آن است. زمانی که آقای زرآبادی در قید حیات بود، می‌گفت پیش از اجرا از استاد اقبال آذر پرسیدم که چه بنوازم و شما براساس کدام کوک، چه آوازی می‌خوانید؟ ایشان در جواب گفتند پسرم هرچه خواستی بزن و من می‌خوانم. زنده‌یاد زرآبادی در ادامه گفت، پیش از آنکه کارمان را شروع کنیم، کوک را به استاد دادم تا آوازی را بخواند و باقی موارد را برای اجرا ارزیابی کنم که در ادامه دیدم ایشان با اینکه در سنین پیری بودند و با عصا راه می‌رفتند، چنان آوازی خوانند که من نتوانستم با سازم جوابشان را بدهم. به ایشان گفتم من چگونه جواب آواز شما با آن تحریرهای پرقدرت را بدهم و متحیر مانده بودم! استاد اقبال آذر مصاحبه‌ای هم با زنده‌یاد مرتضی حنانه داشت آتیم وقتی بیش از نود سال داشت، این مصاحبه تنها فیلم رسمی اقبال آذر است، حنانه در این ملاقات می‌گوید من به گوش آقای اقبال اعتقاد دارم، زیرا ایشان صدسال تاریخ موسیقی ایران را با خود دارد. این یعنی چنین خواننده‌ای به شدت توانمند، صاحب سبک و شیوه است و تمام آوازا را کامل خوانده است.

با وجود این همه ویژگی؛ چرا اقبال آذر هیچگاه آنطور که باید مورد توجه قرار نگرفت، آتیم درحالیکه مکتب آوازی او به گفته برخی از کارشناسان و هنرمندان؛ از دیگر شیوه‌ها کامل‌تر است؟

به هرحال شرایط نامساعدی که طی صد سال اخیر رخ داده، نام ایشان را کم‌رنگ کرده است. بخشی از این نادیده انگاشتن‌ها به دلیل پیچیدگی شیوه‌ی آوازی ایشان است. شیوه اقبال آذر بسیار پیچیده است و اگر کسی بخواهد به کلیت و جزئیات این آواز پی ببرد و آن‌ها را مشق کند، باید زمان بسیاری صرف کند. اگر کسی به دنبال معروفیت و نام و نان است، مطمئنا دیر به نتیجه می‌رسد؛ زیرا باید عمرش را

شعور ادبی و هنری بالایی داشته است. شما حساب کنید علی‌اکبرخان شهنازی هنرمند بزرگی بوده که با هرکسی نشست و برخاست نمی‌کرده. درویش خان با هرکسی مراوده نداشته و اقبال آذر با قدرت تمام در کنار این بزرگان و با همراهی آن‌ها آواز خوانده است. زمانی که آواز «شور» و «سه گاه» و «چهارگاه» ایشان را می‌شنوید، متوجه خواهید شد که تا چه حد قدرتمند و درست اجرا شده‌اند. گاه می‌گویم افراد علاقمندی که در عصر ما زندگی می‌کنند، یک سال زمان دارند تا روی یکی از دستگاه‌ها و آوازهای اقبال کار کنند؛ آن وقت می‌بینیم چگونه امتحان خود را پس می‌دهند، پس که آن آوازها مشکل است. پرداختن عمیق به آوازهای اقبال آذر زمان بسیار می‌طلبد.

حتی استادان آواز نسبت به این شخصیت مهم تاریخ موسیقی و شیوه‌اش بی‌توجه بوده‌اند. آیا دلیل این بی‌توجهی همان پیچیدگی آواز اقبال آذر است؟

بله، این نکته را در نظر داشته باشید که اصولا ما آوازخوان خیلی کم داریم، اما خوانندگان بسیاریند. معلم و استادی که می‌خواهد شیوه اقبال آذر را بشناسد، باید آوازخوان باشد؛ یعنی به مقوله ردیف، مکاتب و شیوه‌ها و آوازها مسلط باشد. از طرفی جریانی که طی شصت، هفتاد سال اخیر به راه افتاده، روندی تک بعدی و یکسویه است که به یک استاد ختم می‌شود و همه به آن جهت رفته‌اند، زیرا بالاخره آن مسیر هم نام و نان دارد و هم معروفیت. یکی دیگر از دلایل نپرداختن به آواز اقبال این است که ایشان هیچگاه کلاس آموزشی نداشت. حسن کسانی و جلیل شهناز نیز اینگونه بوده‌اند و کلاس برگزار نکرده‌اند که البته آقای کسانی بعضا شاگردانی داشته است.

اما آنطور که می‌گویند آقای اقبال آذر شاگردانی داشته ؟

اقبال به آنهایی که صدایش را دوست داشت، مانند آقایان غلامرضا قیطانچیان و کریم صالح عظیمی می‌گفته بروید صفحات آوازهای مرا گوش دهید و بخوانید و تمرین کنید. علاقمندان نیز صفحات مربوط به آثار ایشان را می‌شنیده‌اند و تمرین می‌کرده‌اند. این را هم بگویم که آقای اقبال در اواخر عمر بیشتر به محافل می‌رفته و آواز می‌خوانده و بخشی از آوازهای او که «شور»، «بیات ترک» و «سه گاه» را شامل می‌شود و همگی در محافل خصوصی ضبط شده‌اند. به همین دلیل علاقمندان اقبال او را در محافل خصوصی ملاقات می‌کرده‌اند.

با توجه به کمبود منابع درباره زندگی و کار اقبال آذر، چگونه به جمع‌آوری اطلاعات درباره او پرداختید؟

من از حدود سال ۱۳۷۴ تمام وقت و زمانم را صرف این شیوه و آواز او کرده‌ام. به هرحال یادگیری چنین شیوه‌ای نیاز به پژوهش‌ها و فعالیت‌های میدانی دارد.

من به جز آنکه موسیقی خوانده‌ام به باستان‌شناسی و تاریخ نیز علاقه داشتم و در این رشته نیز تحصیل کرده‌ام. پژوهش میدانی را زمانی که باستان‌شناسی می‌خواندم، یاد گرفتم. این روحیه پژوهشگری باعث شد شخصا به تبریز بروم و با هنرمندان و استادانی



که اقبال آذر را دیده بودند، ملاقات کنم. با خانواده و نزدیکان و نومه‌های آقای اقبال نیز ارتباط برقرار کردم و طی این تعامل آرشیه خوبی از آثار ایشان داشته باشم. از ایشان آرشیه عکس نیز دارم که برایم بسیار ارزشمند است. در واقع هرکس را دیده‌ام که چیزی از اقبال می‌داند به سراغش رفته‌ام. حتی اگر کسی یک خاطره از ایشان داشته، با او همنشین شده‌ام و آن خاطره یا خاطرات را ضبط کرده‌ام و فیلم و عکس گرفته‌ام و مستنداتی را جمع‌آوری کرده‌ام. هرآنچه که امروز درباره اقبال آذر می‌گویم براساس اسناد و مدارک و مستنداتی است که امروز در اختیار دارم.

احتمالا می‌توانید آن اسناد و مدارک و آثار را روزی منتشر کنید.

بله، معتقدم اقبال آذر بخشی از میراث فرهنگی و هنری ماست و اسناد و مدارک مربوط به او نیز شخصا متعلق به من نیست و صاحب و مالک آن جامعه است. اگر چنین اسناد و مدارکی (حتی در حد چند کلمه و چند جمله) در دسترس باشد، آیندگان و آن‌هایی که طالب یادگیری هستند نیز استفاده خواهند کرد. لذا خودخواهی است اگر بخواهم اسناد و مدارک مذکور را نزد خودم نگه دارم. هرآنچه درباره اقبال آذر وجود دارد باید منتشر شود.

چه شد که تصمیم گرفتید مکتب آوازی اقبال آذر را آموزش دهید؟

هرچه پیش رفتن و سنم بالاتر رفت، متوجه شدم که کسی به شیوه آوازی اقبال توجهی ندارد و براساس آن کار نمی‌کند. اصلا در نسل دهه شصت؛ یک نفر را پیدا نمی‌کنید که مکتب اقبال آذر را تدریس کند؛ واقعا دوست داشتم افراد دیگری نیز این شیوه را دنبال کنند اما متاسفانه اینگونه نبود. به همین دلیل تصمیم گرفتم در زمینه آموزش فعالیت کنم و هنرجویانی که پرورش دهم تا آن‌ها نیز در شهرهای خودشان شیوه اقبال را درس دهند. الان در طول هفته بیش از هفتاد و پنج هنرجو را آموزش می‌دهم که از میان آن‌ها حدود سیزده، چهارده نفر خوانندگان خوبی خواهند شد. شاگردانم محدود به تهران نیستند و از شهرهای مختلفند و برخی نیز در خارج از ایران و در کشورهایی چون کانادا، آمریکا و مالزی زندگی می‌کنند. شاگردان مذکور در اواسط یادگیری مکتب اقبال هستند. زمانی که آموزش این افراد تمام شود، خیالم راحت خواهد شد که بخشی از داشته‌هایم را به نسل پس از خود انتقال داده‌ام و امیدوارم این روند توسط دیگر افراد ادامه پیدا کند.

گروهی نیز با نام «اقبال آذر» دارید.

بله، گروه «اقبال آذر» را سال ۱۳۷۷ به ثبت رسانده‌ام و با همراهی اعضای آن تا امروز در جشنواره‌ها حضور یافته‌ام و با نام اقبال آذر کنسرت‌هایی را نیز برگزار کرده‌ام.

در حال حاضر که درگیر بحران کرونا هستیم، چه می‌کنید؟

من هم آموزشگاه موسیقی دارم و هم موسسه فرهنگی هنری. طبیعتا با توجه به وضعیت موجود و بحران کرونا، فعالیت‌های آموزشگاه را از بهمن ماه سال گذشته تعطیل کرده‌ایم. به لحاظ آموزشی نیز تقریبا اغلب دوستان به شیوه آنلاین روی آورده‌اند و ما نیز با همین شیوه به مقوله تدریس می‌پردازیم. همانطور که واقف هستید طی این مدت و در حال حاضر نیز کنسرتی برگزار نمی‌شود و ما نیز چنین برنامه‌هایی نداریم. به لحاظ تولید و ضبط نیز فعالیت‌ها بسیار کم شده است. قاعدتا زمانی که کنسرت برگزار نشود، تولیدات نیز به نوعی تحت الشعاع قرار می‌گیرند. البته سه مجموعه در دست انتشار دارم که آماده‌اند و اتفاقا آثار خوبی هم هستند. منتظر مهیا شدن شرایط هستم تا بتوانم آن‌ها را در زمان مناسب روانه بازار کنم. از طرفی با استاد کامبیز روشن روان، کاری ارکسترال دارم که روایتگر موسیقی مازندران است. این اثر نیز به اتمام رسیده و در دست انتشار است. آلبوم دیگرم «یادواره اقبال آذر ۲» نام دارد و به یاد استاد محمدرضا لطفی است. این مجموعه که آلبوم اول آن قبلا منتشر شده، با حال و هوای ارکستر «شیدا» ضبط شده و تقریبا آماده است و حال در مرحله میکس و مستر قرار دارد.

این روزها آثاری با حال و هوای موسیقی ایرانی با همان فرم قدیم و سازبندی‌هایی که مورد توجه بزرگان و اساتید گذشته بوده، کمتر تولید می‌شود.

همینطور است و یکی از دلایل این اتفاق مسائل ومشکلات مالی است. شرایط واقعا برای تولید آلبوم مناسب نیست و دشواری‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد. اما به قول حافظ «در ره منزل لیلی که خطرهایست در آن/ شرط اول قدم آن است که مجنون باشی». این مجنون بودن در درون من موجب اتفاقات بسیاری شده است، وگرنه واقعیت این است که شرایط به هیچ وجه مساعد نیست؛ بخصوص برای تولید آثاری که قدمت دار و تاریخی هستند و اصالت دارند.

ایلنا

نظریه‌ای که دیگر کسی از آن حرف نمی زند...



بوریس جانسون، نخست وزیر انگلیس را می‌توان از نخستین مدافعان سیاست ایمنی گله‌ای در برابر کرونا دانست که البته بعد از افزایش آمار قربانیان از موضع خود کوتاه آمد.

موضع رسمی وزارت بهداشت درباره ایمنی گله‌ای در کشور ما نیز از همان ابتدا برخی کارشناسان به اثربخشی سیاست ایمنی گله‌ای اشاره داشتند، اما چندین بار وزارت بهداشت اعلام کرد که هیچ وقت سیاست ایمنی گله‌ای را در دستور کار قرار نمی‌دهد. ایرج حریرجی، معاون کل وزارت بهداشت نیز تاکید می‌کند: «در ابتدای دوران کرونا، نظریه ایمنی جمعیتی به قدری ترویج یافت که انگلیس و برخی کشورهای دیگر از جمله سوئد به صورت جدی به سمت ایمنی گله‌ای حرکت کردند، اما مشخص شد که در مورد ویروس کرونا، امکان ایمنی گله‌ای با توجه به انتشار بیماری وجود ندارد و حتما باید موضوع دارو یا واکسن مدنظر قرار گیرد.» او تصریح می‌کند: «هیچ برنامه و توصیه و سیاستی مبنی بر اینکه به ایمنی جمعیتی یا ایمنی گله‌ای برسیم، از طرف دولت وجود ندارد. کشورهایی مانند انگلیس و سوئد هم که به این سمت رفتند، شکست خوردند. ما با آبله و سرخک بیش از تا ۱۵۰ سال قرن درگیری داشتیم که از طریق ذرات هوایی منتقل می‌شدند، اما هیچ گاه برایشان ایمنی جمعی ایجاد نکردند تا زمانی که واکسن برایشان ساخته شد.»

اجرای زیرپوستی ایمنی گله‌ای در ایران

با وجود اینکه وزارت بهداشت چندین بار به طور رسمی اعلام کرده است که هیچ برنامه‌ای برای ایمنی گله‌ای در برابر کرونا نداشته و ندارد، اما برخی کارشناسان می‌گویند مجموع سیاست‌های وزارت بهداشت، بخصوص در ابتدای دوران پاندمی کرونا، غیرمستقیم در راستای اجرای نظریه ایمنی گله‌ای بوده است. سعید نمکی، وزیر بهداشت چند روز قبل به صراحت اعلام کرد که نظریه ایمنی گله‌ای از «تراواشات» معاونت

الف - حدود یک سال از طرح موضوع نظریه جنجالی ایمنی گله‌ای در برابر کرونا می‌گذرد. با وجود اینکه برخی متخصصان و حتی برخی مسئولان در سطح معاون وزیر بهداشت نیز به ایمنی جمعی در برابر کرونا اعتقاد داشتند، اما حالا شواهد علمی نشان می‌دهد که ایمنی گله‌ای به دلایل متعدد نمی‌تواند راه چاره‌ای برای فرار از بحران کرونا باشد. جهان حدود یک سال است با بحران کرونا درگیر است و بخصوص در ۹ ماه اخیر، این بیماری به جدی ترین چالش در بسیاری از کشورها تبدیل شده است. از همان ابتدای این اپیدمی، نظریه ایمنی گله‌ای مطرح بود تا شاید از این طریق، کرونا شکست بخورد. این نظریه می‌گوید اگر جمعیت زیادی از یک جامعه به یک بیماری عفونی واگیر مبتلا شوند، در آن صورت، عده زیادی از مردم نیز بهبود پیدا می‌کنند. در نتیجه شیوع بیماری نیز خود به خود کاهش پیدا می‌کند. در این صورت با جامعه‌ای وربرو خواهیم بود که بخش زیادی از آنها دیگر ناقل بیماری نیستند. در چنین جامعه‌ای، خطرات انتقال بیماری عفونی برای افراد بیمار و آسیب پذیر جامعه کمتر خواهد شد. البته به شرطی که از مرحله ایمنی گله‌ای، جان سالم به در ببرند.

نظریه ایمنی گله‌ای از سال ۱۹۳۰ میلادی مطرح شد. در آن زمان بیماری سرخک در کودکان به دلیل ایمنی گله‌ای، رو به کاهش رفت و موارد ابتلا به این بیماری در کودکان، روز به روز کمتر شد. بعدها برای بسیاری از بیماری‌های عفونی، نظریه ایمنی جمعی مطرح شد. البته در بسیاری از بیماری‌های واگیر مثل فلج اطفال، این نظریه جواب نداد؛ به گونه‌ای که فقط کشف واکسن توانست روند ابتلا به این بیماری مهلک را در بسیاری از کشورهای جهان متوقف کند.

سازمان جهانی بهداشت؛ ایمنی گله‌ای غیراخلاقی است در مورد بیماری کرونا نیز از همان ابتدا نظریه ایمنی گله‌ای مطرح بود، اما سازمان جهانی بهداشت چندین بار این نظریه را رد کرده و آن را غیراخلاقی دانسته است. «تدروس آدهانوم» مدیرکل سازمان جهانی بهداشت هم با تاکید بر این که استراتژی ایمنی گله‌ای با هنجارهای اخلاقی مطابقت ندارد، تاکید می‌کند: «ما درباره ایمنی در مقابل کووید-۱۹ شناخت کافی نداریم. گرچه اغلب افراد مبتلا شده در چند هفته اول ایمن می‌شوند، اما هنوز نامشخص است که این ایمنی چقدر قوی یا پایدار خواهد بود یا در افراد مختلف چه تفاوتی دارد. گردش یون کنترل کووید-۱۹ بین مردم باعث افزایش ابتلا و رنج و مرگ می‌شود. در نتیجه اجازه دادن به گردش آزاد یک ویروس خطرناک به به طور کامل از آن درک نداریم، غیراخلاقی است.»

با این وجود حتی در برخی کشورها نظریه ایمنی گله‌ای به شکل آشکار اجرا شد. به طور مثال در کشور انگلستان حدود دو ماه نظریه ایمنی گله‌ای به اجرا درآمد، ولی با اعتراض مخالفان این نظریه و افزایش آمار قربانیان، تداوم اجرای این سیاست متوقف شد.

ایرنا- برخی در این مدت دستکم ۹ ماهه، یعنی از آغاز

سال ۱۳۹۹، براین باور بودند که کرونا راهی در جمع‌های کوچک و خودمانی ندارد، بعضی حتی می‌پنداشتند این بیماری را با عروسی پیوندی نیست و جشن‌هایی با جمعیت‌های بسیار بر پا کردند که حاصلش جز مرگ و میر و عزادند.

ازدواج از دیرین‌ترین رسم‌های انسان است، جشنی است به شکرانه آغاز یک زندگی، نشانه بالندگی فرزندان و به ثمر نشستن تلاش پدران و مادران، آیینی است برای گرامیداشت جایگاه زندگی بشر؛ برای همین هم در تمام آیین‌ها و دین‌ها و مسلک‌ها جشنی مشترک به‌شمار می‌رود.

شاید در روزگار مدرن با آن که تکنولوژی و علم در تمام شاخه‌ها قامت بر افراشته، هیچ‌کس گمان نمی‌کرد روزی تنفس در هوایی مشترک مرگ‌اقربین باشد و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دگرگون شود.

تغییراتی که سبک زندگی کروناپی برای ما به وجود آورد، چنان عظیم و واژگونه‌اند که تا همه جامعه آن را نپذیرد و درک کند زمان می‌برد.

قطعا بسیار خانواده‌ها هستند که از وقتی فرزندان‌شان به دنیا آمده رویای شیرین ازدواج او را در ذهنشان برنامهریزی کرده‌اند، پدرهای بسیاری به پسرهایشان وعده داده‌اند که اگر رخت دامادی بپوشند برایشان جشن‌ها می‌گیرند، شاید به گمان خودشان جشنی که هفت روز و هفت شب ادامه داشته باشد یا مادرها به دخترانشان گفته‌اند که از هیچ چیز برایشان دریغ نمی‌کنند و کم نمی‌گذارند.

اما، حالا شرایط فرق کرده، حتی دوره‌م نشستن اعضای یک خانواده بر سر سفره‌ای مشترک، برای آن‌ها که سرکار می‌روند و ناچراند با دیگران در تماس باشند، دلهره‌آور شده است. بیهوده نیست؛ ویروس‌ی به جان انسان‌ها افتاده که حالا‌که قریب به یک سال از پیدایشش می‌گذرد، تمام جهان را آلوده است و هر روز گرد مرگ می‌باشد.

دولت‌ها چه دارا چه فقیر، در هر گوشه جهان بزرگترین دغدغه و مشکلشان حل موضوع کروناست، تمام پزشکان دنیا چه آن‌ها که تخصصشان مرتبط با این بیماری است و چه آن‌ها که نه، درگیر آسپیی‌اند که راه

مدارس و دانشگاه‌ها را صادر کرد (بنگرید به گزارش سی‌ان‌ان) و برای مقابله با کرونا مقررات جدید وضع کرد. ساعاتی پیش اولین فرد در بریتانیا، جوانی ۲۶ ساله، به دلیل نقض مقررات جدید برای مقابله با کرونا دستگیر شد. مجازات او هزار پوند جریمه نقدی است و ممکن است تا سه ماه زندانی شود. (بنگرید به گزارش تلگراف ۲۰ مارس ۲۰۲۰). در فرانسه روز ۱۸ مارس/ ۲۸ اسفند جریمه خروج از خانه بدون مجوز رسمی به ۱۳۵ تا ۳۷۵ یورو افزایش یافت و تا ۱۹ مارس ۴۶۸۵ نفر به این دلیل جریمه شده‌اند. (بنگرید به گزارش کونکسیون)»
دکتر شهاب بیدخانی، متخصص علوم آزمایشگاه در گفتگو با الف با انتقاد از نحوه مدیریت پاندمی کرونا، تاکید می‌کند: «اینکه به صورت رسمی اعلام کنیم که مخالف اجرای ایمنی گله‌ای هستیم، ولی در عمل همان سیاست ایمنی جمعی را اجرا کنیم، با علم و منطق سازگار نیست. در طول ۹ ماه اخیر بارها دیده‌ایم که سیاست محدود کننده‌ای برای تردد و مسافرت، اجرا نشد. بسیاری از مشاغل غیرضروری و خطرناک باز بودند و برخورد جدی هم با تجمعات انجام نشد. همه اینها سیاست ایمنی جمعی را به ذهن متبادر می‌کند. اخیرا قدری سیاست محدود کننده وضع شده است تا موج سوم کرونا کنترل شود، اما در ماه‌های گذشته دیدیم که قاطعیتی برای کنترل تجمعات، نظارت بهداشتی بر بازارها و منع سفرهای غیرضروری وجود نداشت. همه اینها در نهایت همان نتیجه ایمنی گله‌ای را به وجود می‌آورد، حالا می‌توانیم اسم این سیاست را هرچیزی بگذاریم.»

همچنین دکتر الیاس بیگلرو، داروساز که در حوزه سیاست ایمنی جمعی را به ذهن متبادر می‌کند، اخیرا تحقیقات واکسن نیز فعال است، در گفتگو با الف یادآور می‌شود: «سیاست ایمنی گله‌ای، یعنی اینکه شما بجای تلاش برای تولید واکسن به سمت این حرکت کنید که با قبول تعدادی تلفات، ایمنی جمعی ایجاد شود. واضح است که این امر اخلاقی نیست، چون معمولا قربانیان در زمره افرادی خواهند بود که سالمند یا دارای بیماری‌های زمینه‌ای هستند. در مورد بیماری کرونا، سیاست ایمنی گله‌ای اصلا جواب نمی‌دهد، چون موارد بسیار زیادی مشاهده شده است که فردی چندین بار به کرونا مبتلا شده است.»

او خاطرنشان می‌کند: «اگر می‌خواهیم نشان دهیم که اعتقادی به سیاست ایمنی گله‌ای نداریم باید این سیاست در مرحله عمل خودش را نشان دهد. هرچقدر دولت بر پیشگیری و رعایت پروتکل‌های بهداشتی نظارت جدی تری داشته باشد، این اتفاق می‌تواند نشان دهنده این باشد که ما مخالف سیاست ایمنی گله‌ای هستیم، وگرنه اظهار نظرهای رسمی و غیررسمی نمی‌تواند چندان ملاک اجرا شدن یا نشدن سیاست ایمنی گله‌ای باشد.»

در شرایطی که امیدها برای تزریق واکسن کرونا بسیار پررنگ شده است، کارشناسان می‌گویند تزریق این واکسن در ایران حداقل یک سال دیگر طول خواهد کشید. در این شرایط، اغلب صاحبزطران نظام سلامت تاکید دارند که حداقل تا یک سال دیگر باید رعایت پروتکل‌های بهداشتی از سوی مردم و تشدید نظارت‌ها از سوی دولت جدی گرفته شود تا از شیب صعودی آمار قربانیان کرونا کاسته شود.

گزارش

کرونا در کمین سالمندان؛

غروب پدر و مادرها طلوع غم‌هاست

ایسنا- کرونا بار و بندیلش را بسته است. دیگر خبری از کرونا و ماسک والکل نیست. چقدر آرزوی این روزها را داشتیم. چقدر دعا کردیم که بار دیگر همدیگر را در آغوش بگیریم.

فکر کنیم که سال ۱۴۰۰ است و کرونا رخت سیاه خود را از سر جهان و جهانیان بریسته و بار دیگر آزادانه در حال نفس کشیدن هستیم. ولی انگار از این اتفاق میمون که بسیاری در انتظارش بودند، کسی خوشحال نیست، چرا؟ ما که بسیار دعا کردیم این روزها را ببینیم چرانه دل‌مان آشوب است. به ناگاه یادمان می‌افتد که چرا خوشحال نیستیم؛ چون دیگر خانه پدری نیست که دل‌مان را به آن خوش کنیم. دیگر آغوش گرم پدر نیست که پناه امن‌مان باشد. دیگر سفره ساده مادر نیست که عاشقانه‌آه، یادمان افتاد ما چرا دیگر خوشحال نیستیم؛ چون کرونا پدرها و مادرهای‌مان را با خود برد و ماهاج و واج فقط نظاره‌گران رفتن‌ها شدیم.

آذر ۱۳۹۸ شروع میهمانی سیاه کرونا در زمین بود. میهمان ناخوانده‌ای که با استفاده از میهمان‌نوازی ما زمینیان کنگر خورد و لنگر انداخت. میهمانی که در راس عزیزان‌مان را هدف قرار داد با آنها طرح دوستی ریخت و با چشم بر هم زدنِی آنها را از ما گرفت. مایی که خودمان با دستان خود پدر و مادرهای‌مان را تقدیم کرونا کردیم.

فرزندانی که به دلیل رعایت نکردن بهداشت فردی و تنفسی، فاصله اجتماعی و ایزوله نکردن خود، سبب ابتلا والدین و پدر-بزرگ و مادر-بزرگ‌های خود شدند.

یادمان می‌افتد که کرونا نیست ولی پدر-بزرگ و مادر-بزرگی برای ما نمانده که دل‌مان را به پنج‌شنبه‌های با آنها خوش کنیم. رفتن یا نرفتن کرونا چه دردی از ما دوا کرد. وقتی شرایط را می‌بینیم، ته دل‌مان به خودمان می‌گوییم وقتی پدری ندارم، مادری ندارم و بزرگ‌تری ندارم کرونا رفتنش هم معنایی ندارد. پس از رفتنش خوشحال نمی‌شویم. هی به خودمان می‌گوییم کاش رعایت می‌کردیم؛ کاش ندیدن چند ماه عزیزان‌مان را به جان و دل می‌خریدیم؛ یک‌کاش و کاش و کاش‌های دیگر. هرچند هیچ‌کدام این کاش‌ها باعث برگشتن عزیزان‌مان از این سفر بی‌بازگشت نمی‌شود.

یک‌باره چشم‌های‌مان را باز می‌کنیم. خدای من هنوز سال ۱۴۰۰ نیست. هنوز خیلی‌ها ز ما پدر و مادر داریم. پدر و بزرگ و مادر-بزرگ داریم. چه خوب که هنوز به آرزوی رفتن کرونا دست نیافته‌ایم و باز می‌دانیم والدین‌مان در خانه‌های‌شان در سلامت کامل هستند. این بار دیگر اشتباه نمی‌کنیم؛ دیگر قرار نیست پدر و مادرهای‌مان را دودستی تقدیم ویروس بی‌مقدار کرونا کنیم.

تصمیم می‌گیریم دلتنگی‌های خود را پشت تلفن و پشت تصاویر رفع کنیم و از دور پدر-بزرگ و مادر-بزرگ‌های‌مان را ببوسیم، چون قرار است روزهای بدون کرونا را با آنها تجربه کنیم نه بی‌آنها. قرار است پدر داشته باشیم مادرهای‌مان را هزار بار در روز صدا کنیم. فرزندان‌مان شیرینی داشتن پدر-بزرگ و مادر-بزرگ را بچشند. چه خوب که فعلا فرصتی برای داشتن آنها داریم. چه خوب که هنوز روزهای بدون کرونا نیست و ما می‌توانیم پدرها و مادرهای‌مان را با چنگ و دندان برای خود حفظ کنیم. روزهای بدون کرونا با بزرگترها به ما می‌چسبد و در آغوش گرم آنها به ما خوش می‌گذرد.

خدایا دنیا را از ما بگیر، سفره مادر را نه؛ خدایا دنیا را از ما بگیر، آغوش گرم پدر را نه.

با بیان اینکه در حال حاضر مسبب بخش عمده‌ای مشکلات موجود که منجر به برگزاری جشن‌های خطرناک یا به تعویق افتادن و برهم خوردن ازدواج می‌شود، خانواده‌ها هستند، گفت: آنان باید در نظر داشته باشند که هیچ وقت برای جشن گرفتن دیر نیست؛ اما هیچ ضمانتی برای حفظ سلامت عزیزانشان در موقعیت کنونی وجود ندارد.

مسوول مرکز تخصصی، آموزشی و مشاوره پیش از ازدواج و انتخاب همسرها تف، اولین مرکز دانشگاهی انتخاب همسر زیر نظر دانشگاه علوم پزشکی نیز بر این نکته تاکید کرد که آمار ارائه مشاوره ازدواج در این مرکز افزایش یافته و تاکنون ۸۰۰ جلسه مشاوره پیش از ازدواج در این مرکز انجام شده؛ همچنین ۵۰ کارگاه آموزشی به صورت مجازی در این مدت در این زمینه برگزار شده است. حسین شکوری عنوان کرد: با وجود شیوع کرونا، امسال آمارها افزایش پیدا کرده و مرکز درمقایسه با سال گذشته فعال تر شده است.

وقت اصلاح فرهنگ رسیده است

او به مردم توصیه کرد به بهانه کرونا ازدواج را به تعویق نیندازند؛ چراکه با توجه به محدودیت‌ها، بهترین فرصت است که فرهنگ‌های غلط، آداب و رسوم نادرست و تجمل‌گرایی را در ازدواج تصحیح کنیم. به گفته شکوری اکنون زمان فرهنگ سازی جدید با رویکرد اسلامی و منطقی و ساده برگزار کردن مراسم‌های ازدواج است. براین اساس، گرچه سایه مرگ با وجود کرونا بر سر شادی‌های کوچک زندگی افتاده است، حیات در جریان است و ازدواج و تشکیل خانواده نیز می‌تواند حتی در وضعیت کنونی آسان و بی‌دغدغه و زیبا باشد.

آخرین آمار کرونا در استان فارس در ۲۴ ساعت منتهی به ظهر سه‌شنبه چهارم آذرماه نشان می‌دهد که با شناسایی ۲۰۶۴ بیمار جدید مبتلا به کرونا در استان فارس تعداد کل مبتلایان این ویروس از آغاز شیوع کرونا به ۱۳۸ هزار و ۸۶۹ نفر رسیده است.

استان فارس از لحاظ شیوع کرونا در وضعیت هشدار قرار دارد.



جشن‌های مشابه آن‌ها، هیچکس به کرونا مبتلا نشده که فرضی است محال، پرسش این است که آیا ارزش دارد شیرینی آغاز یک زندگی با تلخی دستگیری داماد و پدر و سرگردانی مهمان‌ها و به هدر رفتن مخارج و هزینه‌ها در سرسام آور این روزها به تلخی بگراید؟

ازدواج تعطیل نیست؛ رویکردها باید عوض شود

البته هیچکس ازدواج کردن را حتی در سال کروناپی منع نمی‌کند؛ برعکس سکه ازدواج در دوران شیوع روی دیگری هم دارد.

تا به امروز در دنیا شاهد برگزاری مراسم مجازی بوده‌ایم، ماموران، پدر داماد و عروس را بازداشت کردند. آن‌ها مهمانی ۶۰ نفرهای برگزار کرده بودند که تصویرش هم با توجه به شدت شیوع بیماری ترسناک است.

پا در رویدادی مشابه در آبان ۹۹ در روستای ریزآب شهرستان نی ریز فارس مراسم عروسی با حضور جواد بسیاری خواننده مشهور و هزار نفر از اهالی روستا به دستگیری خواننده و مسوول برگزاری مراسم انجامید.

باز در رویدادی دیگر، بیست و سوم آبان ۹۹ دو تالار عروسی متخلف در حاشیه شهر شیراز به دلیل برگزاری مراسم عروسی تعطیل شدند، گروه ارکستر دستگیر شد و دو داماد به جای خانه بخت راهی زندان شدند.

اگر فرض را بر این بگذاریم که در این مراسم‌ها و بسیار



آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی وارضی وساختمانهای فاقد سند رسمی (سری پنجم سال ۱۳۹۹)

روزنامه سرخاب م.الف ۱۳۳۳ تاریخ انتشارنوبت اول: ۹۹/۰۹/۰۶ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۹۹/۰۹/۲۲

زاده (کلاسه ۱۸۰/۹۸)

۸- آقای سعید گل محمدزاده قلعه جوقی به شناسنامه شماره ۲۳ صادره سراب فرزند اکبر نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۲۲۰ فرعی از ۲۷- اصلی واقع در قریه آغمیون حومه ثبتی سراب بخش ۴۹ تبریز به مساحت شش هزارو نهصدو سی وسه مترو چهل ویک سانتی مترمربع خریداری از نادرآخوندی (کلاسه ۹۷/۳۴۶) ۹- آقای سعید گل محمد زاده به شناسنامه شماره ۲۳ صادره سراب فرزند اکبر نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۲۸۴ فرعی از ۲۷- اصلی واقع در قریه آغمیون حومه ثبتی سراب بخش ۴۹ تبریز به مساحت چهار هزارو هشتصدو بیست وهشت مترو پنجاه وشش سانتی مترمربع . خریداری از رضا آخوندی (۹۷/۳۴۷)

شهر سراب بخش ۴۹ تبریز

۱- آقای حسن گل محمد زاده قلعه جوقی به شناسنامه شماره ۴ صادره سراب فرزند ولی محمد نسبت به شش‌دانگ یک باب خانه از محدوده پلاک ثبتی ۲۹۲۶- اصلی واقع در سراب بخش ۴۹ تبریز به مساحت دویست وپنجاه ویک مترو نود سانتی مترمربع .مالک رسمی مشاعی (کلاسه ۹۹/۲۳۶)

(قریه رازلیق پلاک ۲- اصلی)

۲- آقای ایمان جهازی به شناسنامه شماره ۱۲۳ صادره سراب فرزند عبدالعلی نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۲۵۷ فرعی از ۱- اصلی واقع در قریه رازلیق حومه ثبتی سراب بخش ۴۹ تبریز به مساحت سه هزارو سیصدو نودو هفت مترو بیست سانتی مترمربع . خریداری از قدیر منتخب (کلاسه ۹۹/۱۰۲)

(قریه گواشین پلاک ۱۰- اصلی)

۳- آقای منصور کاوه به شناسنامه شماره ۱۸۹۳ صادره سراب فرزند احد نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغ از محدوده پلاک ثبتی ۱۰- اصلی قریه گواشین حومه ثبتی سراب بخش ۴۹ تبریز به مساحت نه هزارو هفتصدو شصت وپنج مترو بیست ونه سانتی مترمربع .خریداری از رضا شریفی (کلاسه ۹۹/۱۲۷)

(قریه زیراسف پلاک ۱۸- اصلی)

۴- آقای امید مردی به شناسنامه شماره ۴۴۰۴ صادره سراب فرزند طهماس نسبت به شش‌دانگ یک باب ساختمان از محدوده پلاک ۱۸- اصلی واقع در قریه زیراسف حومه ثبتی سراب بخش ۴۹ تبریز به مساحت سیصدو بیست وسه مترو سی وپنج سانتی مترمربع . خریداری از فرهاد مردی (کلاسه ۹۹/۵۸)

(قریه فروکش پلاک ۲۱- اصلی)

۵- آقای رضا موسی نژاد فروکوشی به شناسنامه شماره ۱۷ صادره سراب فرزند عزیز نسبت به شش‌دانگ یک واحد کارخانه تولید خوراک دام وطیور از محدوده پلاک ۲۱- اصلی واقع در قریه فروکش حومه ثبتی سراب بخش ۴۹ تبریز به مساحت چهار هزار مترمربع . مالک مشاعی رسمی (کلاسه ۹۹/۲۱۳)

(قریه آغمیون پلاک ۲۷- اصلی)

۶- آقای مختار گل محمد زاده قلعه جوقی به شناسنامه شماره ۶ صادره سراب فرزند اکبر نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۲۱۴ فرعی از ۲۷- اصلی واقع در قریه آغمیون حومه ثبتی سراب بخش ۴۹ تبریز به مساحت شصت وهفت هزارو چهارصدو شصت ونه مترو پنجاه سانتی مترمربع خریداری از حسن با عصمت (کلاسه ۹۸/۱۷۹)

۷- آقای فرشید گل محمد زاده قلعه جوقی به شناسنامه شماره ملی۱۶۴۰۵۳۱۰۷ صادره سراب فرزند اکبر نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۲۱۸ فرعی از ۲۷- اصلی واقع در قریه آغمیون حومه ثبتی سراب بخش ۴۹ تبریز به مساحت هفت هزارو هفتصدو شصت و سه مترو هفتادو هشت سانتی مترمربع .خریداری از رضا ومختار گل محمد

آگهی مناقصه عمومی واگذاری امورات باجه های شارژ و فروش کارت بلیط به تعداد ۷ باجه در سطح شهر



(مرحله دوم – نوبت دوم)

شهرداری مراغه به استناد مجوز شماره ۱۶۲۴ ش/ش مورخ ۹۹/۷/۱۰ شورای اسلامی محترم شهردر نظر دارد باجه های فروش و شارژ کارت بلیط مستقر در سطح شهر مراغه به تعداد ۷ باجه را به مدت یک سال شمسی از طریق مناقصه عمومی به شرکتها و یا افراد واجد الشرایط (اشخاص حقیقی و حقوقی) با شرایط ذیل واگذار نماید، لذا از کلیه شرکتها و پیمانکاران محترم دعوت می شود از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم به مدت ده روز جهت خرید و تحویل اسناد مناقصه ، تا تاریخ ۹۹/۹/۱۵ روز شنبه به امور قراردادهای شهرداری واقع در خیابان قدس – شهرداری مرکزی مراغه – طبقه همکف – اطاق شماره ۲۵ مراجعه و اسناد مناقصه دریافت نمایند، وشماره های تلفن ۳۷۲۱۷۷۱۶-۰۴۱ واحد امور قراردادها و ۳۷۴۵۷۰-۰۴۱ سازمان حمل و نقل و پایانه های مسافربری شهرداری مراغه آماده پاسخگویی به شرکت کنندگان محترم در اوقات اداری در رابطه با مناقصه ذیل می باشد.

ردیف	عنوان پروژه :	درصد پایه مناقصه : :	مدت اجرا(به ماه)	مبلغ تضمین (سپرده شرکت در مناقصه به ریال):	شرایط :
۱	مناقصه واگذاری امورات باجه های شارژ و فروش کارت بلیط در سطح شهر به تعداد ۷ باجه	۵درصد از کل فروش و شارژ کارت بلیط	۱۲ماه (یکسال)	-/۵۰۰۰/۰۰۰/۵۰ریال	شرکت ها و پیمانکاران واجد الشرایط (اشخاص حقیقی و حقوقی)

۱- شهرداری به استناد بند ۵ ماده ۵ آئین نامه مالی شهرداریها در رد یا قبول پیشنهادات مختار است .

۲- سپرده نفرات اول تا سوم تا انجام تشریفات قانونی مناقصه و عقد قرارداد با نفر اول مناقصه مسترد نخواهد شد.ضمناً در صورت انصراف هریک از شرکت کنندگان سپرده آنان به ترتیب به استناد ماده ۸ آئین نامه مالی شهرداریها به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

۳- هزینه درج آگهی مناقصه در دو نوبت آگهی هر عهده برندگان مناقصه می باشد.

۴- درصد پایه مناقصه، حداکثر ۵ درصد کارمزد از کل فروش کارت و شارژ کارت بلیط می باشد و ارائه قیمت بالاتر از قیمت پایه مورد قبول نخواهد بود.

۵- سایر جزئیات و اطلاعات در اسناد مناقصه قید شده است.

شهردار مراغه -احمدی



م.الف: ۴۴۹

آگهی فقدان سند مالکیت

پلاک ثبتی شماره ۶۰۶۴ فرعی از ۱۷ اصلی واقع در عجب شیراز بخش ده مراغه بمقدار شش‌دانگ یک واحد آپارتمان مسکونی که به موجب صورتجلسه تفکیک شماره ۱۲۶۷/۱۵/۱۰۴/۰۷-۱۳۹۰ به نام سید علی اصغر میرمحمدی اقدم در ذیل ۲۹۷۶۹ صفحه ۱۷۸ دفتر ۱۵۶ ثبت و سند مالکیت شماره ۲۹۱۵۵ سری ۹۰/ب به نام نامبرده ثبت و صادر و تسلیم گردیده است و شخص اخیرالذکر با ارایه استشهاد محلی به شرح نامه شماره ۱۵۳۴۵ – ۱۳۹۹/۰۸/۲۵ مدعی فقدان سند مالکیت در اثر اسباب کشی شده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی را نموده است مراتب در اجرای تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود، مدعیان و معترضان به مالکیت پلاک مذکور میتوانند دعاوی و اعتراضات خود را کتبا بمدت ده روز پس از انتشار آگهی به اداره ثبت اسناد و املاک عجب شیر تسلیم نمایند بدیهی است پس از انقضای مدت قانونی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد و به اعتراضات بعد از مدت تعیین شده ترتیب اثر داده نخواهد شد. در ضمن ملک مذکور دارای یک مورد رهن به شماره ۱۴۶۵- ۰۸/۲۸/۱۳۹۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره یک عجب شیر به مبلغ ۲۸۱/۱۷۱/۴۸۰ ریال بنفع بانک مسکن شعبه عجب شیر میباشد.

قادر ساعدی -رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عجب شیر

تاریخ انتشار ۱۳۹۹/۰۹/۰۶

م.الف: ۱۷۷

آگهی تاسیس

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود تلاش سبز کلیبردر تاریخ ۰۹/۰۹/۱۳۹۹ به شماره ثبت ۶۲۰ به شناسه ملی ۱۴۰۵۹۷۴۰۰ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.

موضوع فعالیت :انجام امورات منابع طبیعی و کشاورزی اعم از جنگل کاری-اصلاح جنگل -کنترل آفات.
در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط

مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود

مرکز اصلی: استان آذربایجان شرقی، شهرستان کلیبر، بخش مرکزی، شهر کلیبر، محله حسن آباد ، شهیدایمانی ، کوچه (حسن آباد) ، کوچه (هفت تیر) ، پلاک ۱۸۶۵ ، طبقه همکف کدپستی ۵۴۶۱۶۳۳۴۷

سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۹,۰۰۰,۰۰۰ ریال نقدی

میزان سهم الشرکه هریک از شرکا

خانم اعظم پیله ور به شماره ملی ۱۳۷۴۰۴۶۴۳۴ دارنده ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه

آقای احداله نجف پور گلو‌سنگ به شماره ملی ۵۱۹۸۳۳۱۹۷۱ دارنده ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه

آقای اسداله نجف پور به شماره ملی ۵۱۹۹۵۹۸۵۹۷ دارنده ۳۰۰۰۰۰۰۰

ریال سهم الشرکه اعضا هیئت مدیره خانم اعظم پیله ور به شماره ملی ۱۳۷۴۰۴۶۴۳۴ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود

آقای احداله نجف پور گلو‌سنگ به شماره ملی ۵۱۹۸۳۳۱۹۷۱ و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود

آقای اسداله نجف پور به شماره ملی ۵۱۹۹۵۹۸۵۹۷ و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود

دارندگان حق امضا: کلیه اوراق واسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی وهمچنین کلیه نامه های عادی و اداری با امضاء مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه

روزنامه‌کنترل انتشار سرخاب جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.
ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان شرقی
مرجع ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری کلیبر

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده

شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان و کارکنان دولت در عجب شیر

به شماره ثبت ۱۲ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۴۵۱۵۰۱ (نوبت اول)

جلسه مجمع عمومی فوق العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان و کارکنان دولت در عجب شیر در روز دوشنبه مورخه ۹۹/۰۹/۱۷ ساعت ۱۲:۰۰ در محل استان آذربایجان شرقی - شهرستان عجب شیر - بخش مرکزی – شهرک انقلاب – مجتمع آپارتمانهای فرهنگیان- طبقه اول -کدپستی ۵۵۴۱۷۱۱۴۱۹ برگزار می شود.
از کلیه اعضا دعوت میگردد جهت اتخاذ تصمیم در موعد مقرر در مجمع عمومی حضور بهم رسانند.
دستور جلسه :

تصمیم گیری در مورد تمدید مدت فعالیت شرکت تعاونی

تذکر:

۱. این مجمع عمومی با حضور دو سوم اعضا رسمیت می یابد و مصوبات مجمع عمومی در صورت رسمیت یافتن و عدم مغایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضاء اعم از حاضر و غایب نافذ و معتبر خواهد بود.

هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان و کارکنان دولت در عجب شیر



شرکت مطبوعاتی سخن نگاران طلویی

سرخاب

کهن محله ای است در تبریز

که خزینه ادب، عرفا، و هنر ایرانی است



باشگاه فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

ورزشگاه آزادی، بزرگ‌ترین ورزشگاه فوتبال در ایران

ورزشگاه آزادی در شب، در حالی که در حال بازی فوتبال است

تعاریف و اصطلاحات

فارس- کارشناس مسائل مدیریتی ورزش گفت:باشگاه‌های صنعتی در واقع از جیب مردم ارتزاق می‌کنند نه بودجه دولت.

باشگاه‌های صنعتی در فوتبال ایران معمولاً باشگاهی با تمکن مالی مناسب هستند اما گاهی اوقات در این باشگاه‌ها شاهد اتفاقات تلخی هستیم که به ورزش و به ویژه فوتبال لطمه وارد می‌کند و حتی چرخه فوتبال را دچار اختلال می‌کند. به همین مناسبت با سعید فائق یکی از مدیران ارشد و اسبق ورزش کشور گفت‌وگو کردیم تا در مورد این شرایط باشگاه‌های صنعتی در فوتبال به نوعی آسیب‌شناسی کارشناسانه انجام داده باشیم. صحبت‌های فائق را در زیر می‌خوانید.

باشگاه‌های صنعتی از جیب مردم ارتزاق می‌کنند نه از بودجه دولت

باشگاه‌های صنعتی و حضور صنعت در ورزش در همه جای دنیا رواج دارد و این مسئله فقط در کشور ما نیست. البته برخلاف تصورات عموم باشگاه‌های صنعتی از بودجه دولتی ارتزاق نمی‌کنند بلکه از جیب مردم هزینه‌های‌شان تأمین می‌شود و قضیه به این صورت است که این کارخانه‌های صنعتی محصولی را تولید و به فروش می‌رساند که قیمت تمام شده برای این محصولات وجود دارد که هزینه‌های باشگاه ورزشی آن کارخانه صنعتی هم در دل این قیمت تمام شده وجود دارد. در واقع این باشگاه‌های صنعتی پول را از مردم می‌گیرند.

ورزش یک مقوله اجتماعی در جهان است
ورزش یک پدیده اجتماعی در جهان است و همانطوری‌که مثلاً شما برای تأمین اجتماعی و استفاده از خدمات درمانی دفترچه بیمه دارد در دنیا هم برای ورزش چنین دفترچه‌ای وجود دارد و به همین دلیل است که در گذشته در کشور ما هم به کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی اجازه داده می‌شد که در ورزش هزینه کنند و هزینه‌های ورزشی جزو هزینه‌های قابل قبول محسوب می‌شد به همین دلیل باشگاه فوتسال شن‌سای ساوه به وجود آمد اما بعدها که اعلام شد هزینه‌ها در ورزش قابل قبول نیست آن باشگاه نیز نتوانست به حیات خود ادامه بدهد.

قانونمدی در ورزش ایران وجود ندارد
متأسفانه قانونمدی درستی در ورزش ما وجود ندارد که بخواهیم با استفاده از این قانون مراکز صنعتی و کارخانه‌ها به درستی در ورزش سرمایه‌گذاری کنند. البته در زمان ریاست‌هاشمی تبار بر سازمان تربیت‌بدنی وقت با استفاده از موشمندی ایشان قرار شد که یک درصد از فروش محصولات صنعتی در ورزش هزینه شود البته یک سوم از یک درصد که این پول باید در ورزش هزینه می‌شد.

ایسنا-آکادمی کیا سرفصل جدیدی را در تاریخ فوتبال ایران ورق زده است؛ تیمی که به سبک و سیاق آلمانی‌ها و زیر نظر مهدی مهدوی‌کیا آماده رسیدن به لیگ برتر ایران خواهد شد.

در فوتبال آلمان دو تیم هوفنهایم و لایپزیش بیش از هر تیمی موفق و در عین حال مغرور هستند؛ تیم‌هایی که با یک برنامه درست و حساب شده سرمایه خود و همین‌طور آینده بازیکنان و مربیان را هدر نداده‌اند و هر سال گام جدیدی را در راه موفقیت برمی‌دارند و همین موضوع به چشم هواداران افراطی در فوتبال آلمان خوش نیامده است. با این وجود، مساله مهم سرمایه‌گذاری دو سر سود این دو باشگاه در پرورش بازیکنان آینده‌دار و درآمدزایی از محل فروش این بازیکنان و همین‌طور موفقیت در لیگ‌های ملی و بین‌المللی است.

هوفنهایم در سال ۲۰۰۰ میلادی، با پشتیبانی مالی دیتمار هوپ و جذب بهترین بازیکنان جوان و آینده‌دار به سرعت از لیگ دسته پنجم آلمان کارش را آغاز کرد و در سال ۲۰۰۸ به بوندس‌لیگا، بالاترین سطح فوتبال آلمان صعود کرد. این تیم در فصل ۱۸–۲۰۱۷ برای اولین بار به مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا رسید.

لایپزیش، دیگر تیم آلمانی است که مدل بسیار نوینی را در عرصه فوتبال باشگاهی پیاده کرد. این تیم در سال ۲۰۰۹ کار خود را از لیگ دسته پنجم آلمان شروع کرد. این تیم به سرعت با جذب بهترین بازیکنان

فائق: باشگاه‌های صنعتی از جیب مردم ارتزاق می‌کنند

هیچ باشگاهی تابع قوانین سود و زیان نیست



اما متأسفانه در کشور ما قانونی برای ورزش حرفه‌ای نداریم. قانون ورزش کشورمان مربوط به سال ۱۳۵۰ است یعنی زمانی که ورزش ما آماتور بوده پس تعریف دقیق و کاملی از بنگاه ورزشی نداریم و قانونمدی خاصی در ورزش حرفه‌ای ما حاکم نیست. مثلاً در بورس می‌گویند شرکتی که سه سال زیان ده باشد نمی‌تواند در بورس حضورش تداوم داشته باشد.

هیچ باشگاه ایرانی تابع قوانین سود و زیان نیست

هیچکدام از باشگاه‌های صنعتی ما تابع بازار سرمایه و قوانین سود و زیان نیستند. اگر زمانی باشگاه پرسپولیس با مالکی به نام عبیدو فعالیت می‌کرده یا باشگاه‌های مثل شاهین، تهران جوان و ... داشتیم همگی این باشگاه‌ها تابع قوانین اقتصادی بودند و اینگونه نبوده که یک فرد برای این باشگاه‌ها هزینه کند بلکه مالکان این باشگاه‌ها با تنظیم دخل و خرج خود حتی سود هم از باشگاه‌داری می‌بردند. دقیقاً مثل مدارس غیر انتفاعی که در واقع دخل و خرج مدرسه تأمین می‌شود و مالک هم از آن سود می‌برد. مثلاً باشگاه پیکان در زمان خودش جدا از کارخانه ایران خودرو بوده و دخل و خرجش هم جدا بوده است.

باشگاه‌های صنعتی باید درآمدزا شوند
اکنون هم باشگاه‌های صنعتی ما باید درآمدزا باشند اما هیچکدام از مدیران عامل این باشگاه‌ها به فکر مسائل مالی نیستند در حالیکه مدیران عامل این باشگاه‌ها باید در صورتی که باشگاه‌شان زیان‌ده شود از طریق مجامع باشگاه‌ها مؤاخذه و حتی اخراج شوند. اما مدیران عامل باشگاه‌های صنعتی ما خود را مکلف به درآمدزایی نمی‌دانند و به دلیل اینکه ما قانون و درست و حسابی در ورزش حرفه‌ای

نداریم شاهد چنین مشکلات اساسی در باشگاه‌های صنعتی هستیم. وقتی قانون ورزش حرفه‌ای نداریم هیچ مدیری نمی‌تواند درآمدزایی کند و هزینه‌ها هم طبیعی است که منجر به زیان شود. اما وقتی باشگاه‌ها قانون‌مدار شوند دیگر مجامع از مدیران عامل باشگاه‌ها زیان‌ده بودن را نمی‌پذیرند.

آژانس نقل و انتقالات بازیکن نداریم
اگر می‌گویند در باشگاه‌های صنعتی گاهی شاهد پدیده دلالیسم در فوتبال هستیم قیمت بازیکنان چند برابر قیمت واقعی آن محاسبه می‌شود به این دلیل است که ما آژانس‌های نقل و انتقالات بازیکن نداریم.

در اساسنامه اول فدراسیون فوتبال آمده بود که باید آژانس‌های نقل و انتقالات بازیکنان در فوتبال ایجاد شود. در ورزش حرفه‌ای همه چیز در یک اتاق شیشه‌ای است و همه چیز باید شفاف باشد. به طور مثال می‌گویم وقتی در بخش مسکن آژانس‌های املاک داریم قیمت اجاره و خرید و فروش ملک در هر منطقه روشن است و فاصله قیمتی ملک‌ها با هم زیاد نیست. اما چرا در فوتبال مان بحث دلالی پیش می‌آید.

به این دلایل است که آژانس نقل و انتقالاتی به فراخور ظرفیت کشور به وجود نیآورده‌ایم و باشگاه‌های صنعتی ما هم بیلان سرمایه‌ای ندارند. مثل بیلان‌هایی که بنگاه‌های اقتصادی دارند. باشگاه‌های صنعتی ما هم باید چنین بیلان سرمایه داشته باشند. به طور مثال وقتی در باشگاه‌های صنعتی بیلان سرمایه وجود ندارد و معلوم نیست چقدر پول به عنوان بودجه و چقدر به عنوان هزینه داریم این مسائل در باشگاه‌های صنعتی که شما می‌گویید پیش می‌آید. باید همه چیز بلورین و شفاف باشد.

طرح جامع باشگاه‌داری را باید تصویب کنیم
برای راهی‌ای از این وضعیت باشگاه‌های صنعتی باید یک طرح جامع باشگاه‌داری در ورزش حرفه‌ای ایجاد کنیم که شفافیت مسئله اصلی آن باشد. ما باید در این طرح باشگاه‌ها را مکلف به شفاف‌سازی و ارائه بیلان کنیم. مثلاً اگر باشگاهی ۱۰ تومان قرار است برای خرید بازیکن هزینه کند فقط همان ۱۰ تومان را هزینه کند و تمامی هزینه‌های باشگاه در چارچوب بودجه مصوب آن باشد. وقتی باشگاه‌ها که تبدیل به یک بنگاه اقتصادی درآمدزا می‌شوند مکلف به پرداخت مالیات به وزارت اقتصاد و دارایی شوند همه چیز شفاف و مشخص خواهد شد. در همه جای دنیا این مربیان هستند که مالیات درآمدشان را می‌دهند اما در ایران شاهدیم که گاهی باشگاه مالیات مربی را هم پرداخت می‌کند. باید همه چیز قانونمد و شفاف در ورزش حرفه‌ای ما اجرا شود.

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

اول فوتبال ایران برسیم، که همان لیگ برتر است. در همین راستا ما امتیازی را از استان مازندران و شهر بابل در اختیار گرفتیم.»

روند این تیم در ۵ سال گذشته حاکی از اجرای کامل برنامه‌های مهدوی‌کیا در ایران دارد. آکادمی او نشان داده که سرمایه‌گذاری روی فوتبال پایه و پرورش بازیکنان جوان در ایران هم جوابگو است و این مدل‌ها مخصوص آلمان و سایر کشورهای توسعه یافته نیست. از الان می‌توان محقق شدن برنامه‌های مهدوی‌کیا و تیم جانش را با صعود به لیگ برتر فوتبال ایران حداکثر در پنج سال گذشته دید؛ تیمی که در آینده می‌تواند با افتخارآفرینی در لیگ برتر و لیگ قهرمانان آسیا با بازیکنان آکادمی خود، روند توسعه فوتبال در ایران را شتاب ببخشد و ساختارهای اشتباه در سایر باشگاه‌ها را دگرگون کند.

اگر چه اجرای این برنامه‌ها بدون داشتن پشتوانه مالی کار آسانی نیست اما برای تیم‌هایی که سالانه تا ۱۰۰ میلیارد تومان و بیش‌تر هزینه می‌کنند، اختصاص دادن یک دهم از این مبلغ به فوتبال پایه جای دوری نمی‌رفت ولی در این سال‌ها نه فوتبالیست‌های اسم و رسم‌دار و نه باشگاه‌های متمول به این سمت و سو حرکت نکردند و فقط در جا زده‌اند.

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

«فوران» بداخلاقی در فوتبال ایران

چه کسی مسئول این چهره زشت است؟
مهر- خشم و بداخلاقی حالا دو عنصری است که دررگ‌های فوتبال ایران جریان دارد و باشگاه‌ها آن را از طریق مصاحبه‌ها و بیانیه‌هایشان به جامعه پمپاژ می‌کنند. به راستی مسئول این اتفاقات ضدفرهنگی کیست؟

هرچه بر عمر مسابقات لیگ برتر فوتبال ایران افزوده می‌شود، عمر بداخلاقی‌ها و خشم باشگاه‌ها به هفته‌های ابتدایی تقلیل پیدا می‌کند. لیگ برتر به عنوان ویتزین فوتبال باشگاهی ایران که باید محلی برای لذت بردن و سرگرمی مردم و هوادارانش باشد، به سرکردگی خود باشگاه‌ها، مربیان و بازیکنان چنان خشمی را به جامعه پمپاژ می‌کند که تأثیرات اجتماعی و فرهنگی آن شاید حتی تا سال‌ها باقی بماند.

اتفاقات همین دو هفته نخست لیگ برتر شاید نمونه بسیار خوبی از ماهیت و ذات فوتبال ایران باشد که به یک روبه و عرف در جامعه تبدیل شده است. اعتراض پیاپی باشگاه‌ها، درگیری‌های مربیان و مدیران در ورزشگاه‌ها و در رسانه‌ها، صدور بیانیه‌های پیاپی و کُری خوانی‌های بی پایه و اساس که با چند برابر قدرت اصلی خود در فضای مجازی و بین



هواداران بازنشر داده می‌شود، فوتبال ایران را به «ناکآباد» کشانده است.

صرفنظر از تأثیر پررنگ فضای کلی جامعه در این بداخلاقی‌ها و نقش باشگاه‌ها که هر کدام پسوند «فرهنگی» را یک می‌کشند، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که سایر نهادهای متولیان فوتبال چه کار می‌کنند؟ چرا سازمان لیگ به عنوان برگزارکننده مسابقات لیگ برتر اقدام و پیش بینی خاصی برای جلوگیری از این اتفاقات ندارد.

فدراسیون فوتبال در سال‌های اخیر به جای فرهنگ سازی، بر جنبه تنبیهی و قضایی ماجرا متمرکز شده است و درمان را جایگزین پیشگیری کرده؛ در حالی که این اقدامات انضباطی هم تأثیری در روبه غلط فوتبال ایران نداشته و صرفاً به درآمدزایی فدراسیون فوتبال کمک کرده است!

باشگاه‌ها نشان داده‌اند برای رسیدن به عنوان قهرمانی، کسب سهمیه آسیا و یا سقوط نکردن به لیگ دسته اول دست به هر کاری می‌زنند و برایشان هدف وسیله را توجیه می‌کند. این عزم در باشگاه‌های ما برای جلوگیری از بداخلاقی‌ها وجود ندارد و آنها حتی ثابت کرده‌اند در اشتباهات، گاهی پشت مربی و بازیکن خود درمی‌آیند.

تکلیف سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال هم که مشخص است و اگر اقدامی هم صورت گرفته، تأثیرگذار نبوده است. به راستی برای پایان دادن به این وضعیت و آرام کردن آتش‌فشان خشم و هیاهو، برای بازگرداندن فوتبال ایران به مسیر اخلاقی، برای کاهش تنش‌ها و درگیری‌ها و در یک کلام برای لذت بردن هواداران از این فوتبال چه کارهایی لازم است؟

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

تیم فوتبال پرسپولیس در حال بازی در ورزشگاه آزادی

ورزش سه- سرمربی جوان ایرانی –اروپایی تیم گوته بورگ سوئد هدایت تیم زیر ۲۱ سال‌های سوئد را بر عهده گرفت. پویا اسبقی مربی ایرانی – سوئدی که پیش از این با هدایت تیم فوتبال "دالکوردر" سوئد نام خودش را به‌عنوان جوان‌ترین سرمربی خارجی تاریخ فوتبال سوئد مطرح کرد، از سوی فدراسیون این کشور هدایت سرمربی تیم فوتبال زیر ۲۱ سال‌های سوئد را بر عهده گرفت.

در همین ارتباط رسانه‌های سوئدی با پرداختن به این مطلب نوشتند:

پوریا اسبقی حالا با ترک "گوته بورگ" به‌عنوان سرمربی جدید تیم ۲۱- سوئد انتخاب شد که به گفته خودش افتخار بسیار بزرگی برای او محسوب می‌شود.

این در حالی است که تیم زیر ۲۱ ساله‌های سوئد با قبول شکست از ایتالیا نتوانست جواز حضور در مرحله نهایی جام ملت‌های اروپا در رده زیر ۲۱ سال‌ها را کسب کند و حالا با حضور اسبقی جوان می‌رود تا روزهای جدیدی را تجربه کند. درخصوص پویا اسبقی می‌توان گفت که او در ۲۳ سالگی فوتبال بازی کردن را کنار گذاشت و به مربی‌گری روی آورد؛ او ابتدا در سطوح جوانان و نوجوانان به فعالیت پرداخت اما پس از مدتی سرمربی تیم رزگارد شد و توانست همراه این تیم از سطح ۶ به ۵ صعود کند.

اسبقی در سال ۲۰۱۶ پس از مدتی دستگیری در تیم دالکوردر درحالی‌که فقط ۲۱ سال سن داشت سرمربی این تیم شد و جوان‌ترین سرمربی خارجی تاریخ فوتبال سوئد شد. وی چند ماهی را نیز به‌عنوان سرمربی باشگاه فوتبال "بقله" فعالیت کرد و سپس در ژانویه ۲۰۱۸ سرمربی "گوته بورگ شد" تا نخستین تجربه وی در سطح اول فوتبال سوئد رقم بخورد.

کتاب

نمایشگاه مجازی کتاب؛ فرصتی برای اتحاد ناشران

وقتی ننوشتن کار درستی است

ایبسنّا- مجتبی ویسی می‌گوید: اگر نویسنده احساس کند حرف تازه‌ای ندارد و قلمش را زمین بگذارد کار درستی است؛ هرچند ممکن است در این ارزیابی دچار خطا شود.

این شاعر و مترجم، درباره اعلام بازنشتگی نویسندگان و زمین گذاشتن قلم، اظهار کرد: این موضوع می‌تواند به دلایل متعدد اتفاق بیفتد؛ می‌تواند فردی باشد و یا دلایل عمومی و بیرونی داشته باشد. گاه فرد احساس می‌کند چیزی برای گفتن ندارد و به این دآوری درباره خود می‌رسد که دیگر چیزی ننویسد و این یک تصمیم درونی است. البته انسان موجود پیچیده‌ای است و ممکن است بعدا به ایده و سوزه نابی برسد. اما اگر شخص احساس کند که دیگر حرفی برای گفتن ندارد و قلم خود را زمین بگذارد کار پسندیده‌ای می‌کند.

او در عین حال افزود: البته ممکن است فرد دچار خطا شود و ارزیابی‌اش برای یک مقطع خاص باشد. مثلا مخاطبان و منتقدان ارزش کار او را درک نکرده باشند و در آینده به جزئیات و خصوصیات او پی ببرند و مطرح شود؛ در طول تاریخ این اتفاق افتاده است.

ویسی در ادامه گفت: دلیل دیگر، اجتماعی است و در کشور ما هم مصداق دارد. برخی از نویسندگان همه توان و انرژی خود را بر نوشتن می‌گذارند اما به دلایل مختلف احساس می‌کنند آثارشان خوب خوانده نشده و یا اصلا خوانده نشده و توی ذوق شان می‌خورد و احساس می‌کنند کار خاصی انجام نمی‌دهند. اگر بخواهیم وارد جزئیات شویم که این قصه سر دراز دارد.

این مترجم و شاعر درباره احساس سرخوردگی نویسندگان از استقبال از آثارشان و اعلام بازنشتگی توضیح داد: افراد متفاوت هستند؛ نویسنده‌ای ظرفیت بالایی دارد و عوامل بیرونی بر روی او تأثیر زیادی ندارند و با آن‌ها مقابله می‌کند و تا آخر عمر می‌نویسد اما برخی از نویسندگان حساس‌ترند و توان مقابله با مشقت‌ها و وضعیت بیرونی و حتی مادی را ندارند و نمی‌توانند مقاومت کنند و احساس می‌کنند دیگر نمی‌توانند بنویسند. مثلا سالیانچر تصمیم گرفت دیگر ننویسد؛ با این‌که نویسنده قدرتمندی بود اما تصمیم گرفت تا از نوشتن دست بکشد. او همچنین خاطرنشان کرد: ظرفیت آدم‌ها و نویسندگان متفاوت است، ما نویسنده‌های متوسط و حتی ضعیفی داریم که درباره همه چیز می‌نویسند.

عکس

ششمین جشنواره بین‌المللی عکس سلامت در زنجان برگزار می‌شود

سلامت روان است تا از این طریق بر انگ اختلالات و بیماری‌های روان‌پزشکی فائق آمده و راه را بر درمان به موقع بیماران باز و اقدامات پیشگیرانه نیز تقویت شود.

وی اظهار داشت: از این رو هنر عکاسی از جمله ابزارهایی است که با بهره گیری از اشکال متنوع، می‌تواند کارکردی ۲ گانه از حیث نمایش هنری و بسترسازی فرهنگی پیرامون موضوعات مرتبط با سلامت روان داشته باشد و این نگاه جدید قادر است با آمیختن تکنیک‌های هنر عکاسی و مضامین روانشناختی از راه ایجاد همدلی و هم حسی باعث شکل گیری ارتباط بین اثر هنری و مخاطب شده و پالایش روانی جامعه را فراهم کند.

این مسؤؤل ادامه داد: از طرفی سرعت عالم گیری ویروس کرونا و کشندگی آن به گونه ای است که تک افراد جامعه باید به روشهای پیشگیری از انتقال ویروس توجه داشته و در توقف چرخه انتقال، نقش ایفا کنند و بدلیل اهمیت موضوع و ارتباط سلامت روان در شرایط بحران و بحران پاندمی کرونا، بخش کوید-۱۹ نیز به بخش‌های جشنواره اضافه شد.

صائینی افزود: بر این اساس این جشنواره در سه بخش موضوع آزاد، موضوع سلامت روان و کوید-۱۹ برگزار می‌شود که در هر بخش می‌توان چهار عکس (درمجموع ۱۲ عکس برای سه بخش) ارسال کرد. وی یادآوری کرد: هر عکس را تنها در یک بخش می‌توان شرکت داد و نسخه‌های رنگی و تک رنگ از یک عکس باید یک عنوان یکسان داشته باشند و نمی‌توانند همزمان در بخش‌های مختلف این جشنواره شرکت داده شوند و از طرفی عکس‌ها باید طبق تعاریف تعاریف فیاپ و جشنواره، که در انتهای فراخوان آمده، لحاظ شود.

دبیر جشنواره پنجمین جشنواره بین‌المللی عکس سلامت روان دانشگاه علوم پزشکی زنجان ادامه

سنگین‌روزی

به نیکی‌ها امر کن و خود نیکوکار باش، و با دست و زبان بدیها را انکار کن، و بکوش تا از بدکاران دور باشی و در راه خدا آنگونه که شایسته است تلاش کن، و هرگز سرزنش ملامتگران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد

برای حق در مشکلات و سختی‌ها شنا کن، شناخت خود را در دین به کمال رسان

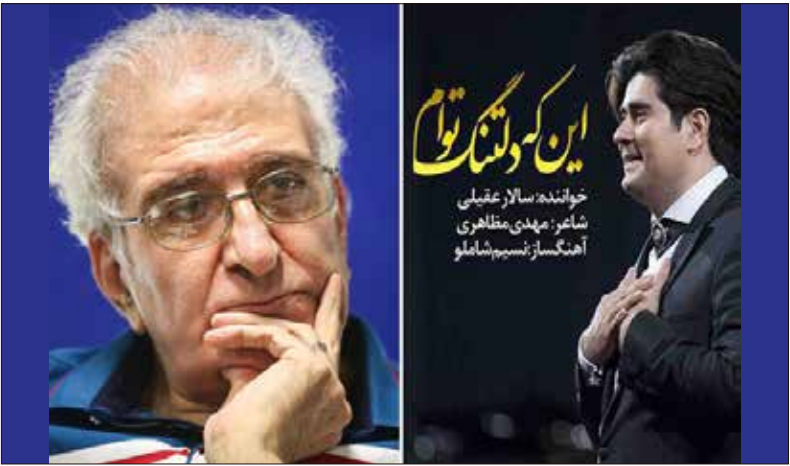
خود را برای استقامت برابر مشکلات عادت ده، که شکیبایی در راه حق عادتی پسندیده است

امام علی (ع) – نهج البلاغه

میثاق نامه اخلاقی حرفه‌ای روزنامه‌نگران در سایت روزنامه سرخاب ■ رتبه نشریه در طرح رتبه‌بندی نشریات: چهار

فرهنگ

دشواری رسیدن به قله‌های غزل قرن هفت و هشت بررسی «اینکه دلتنگ توام»



گذاشتند که آن را بگویی و در کنارشان قرارگیری. غزل امروز فقط باید قالب آشنای آن را داشته باشد که مضامین روز همسو با سنجه‌های زیباشناسانه حاضر آن را پر کند تا توجهی جلب کند و گرنه چراغی خواهد بود کم‌سو میان گوی‌های آتشین بزرگان گذشته که هیچ‌نگاهی به آن نمی‌افند.

مهدی مظاهری از زبان زنده امروز با قالب زیبای غزل عاشقانه‌هایی ساخته که در همان نگاه نخست تازگی و طراوت خود را به رخ می‌کشد.

من از گذشت نگاهت به عشق می‌دیدم که عشق‌های تو با یک نگاه می‌گذرد

و یا

وقتی مدام چشم تو از دست من تراست این جا جدا شوم برای تو بهتر است.

معمولا ترانه‌ها زمانی که ردای موسیقی بر دوششان است زیبا جلوه می‌کنند و در آمیزه با آن است که زیر لب زمزمه می‌شوند. اما غزل‌های عاشقانه این آلبوم هم در هم نشینی با نوایی که برایش ساخته شده و هم به صورت غزلی فارغ از موسیقی دلنشین هستند و لذت بخش.

ترانه اول که آندوه زیبایی در جانت کاشته ناگهان جای خود را به ترانه ای می‌دهد که در جانت زمزه می‌کند: آندوه را به سویی بنه زمان شادی است و رقص.

سازهای کوبه‌ای ریتم رقصی را آغاز می‌کنند:

زلف را شانه من شانه به رقص آمده است من که هیچ آینه‌خانه به رقص آمده است. سازهای زهی با رنگ و بوی رقص ایرانی اوج می‌گیرد:



اذان صبح: ۵۵:۴۶:۵۹
طلوع آفتاب: ۵۷:۱۷:۲۴
اذان ظهر: ۱۲:۱۲:۱۲
غروب آفتاب: ۱۷:۵۶:۳۹
اذان مغرب: ۱۷:۲۷:۱۲
نیمه شب شرعی: ۲۳:۴۶:۳۴

روزنامه‌سرخاب ■ سال چهاردهم ■ شماره ۳۷۱۶ ■ پنجشنبه ۶ آذر ماه ۱۳۹۹

سینما

ضربه عمیق کرونا به سینما

حمایت بانوی تبریزی از سینما با خرید انبوه بلیت

سرخاب- رئیس حوزه هنری آذربایجان شرقی با بیان این‌که متأسفانه کرونا، ضربه عمیقی به صنعت سینمای کشور، چه در حوزه تولید و چه سینماداری وارد کرد، گفت: با تمامی تلاش‌هایی هم که کردیم، حمایتی اعمال نشد و در بحث محدودیت‌ها نیز سینما، به عنوان یک محل خاص درنظر گرفته نشد.

محمد حسین بلاغی با اشاره به تأثیر شیوع کرونا بر عرصه سینما و سینماداری، اظهار کرد: در پی اعمال محدودیت‌ها، حوزه سینما را در لیست گروه‌های شغلی سه و چهار قرار دادند، در حالی که سینماها را با رعایت دقیق دستورالعمل‌ها و با ظرفیت ۱۰ درصد (هر ۱۰ صندلی یک نفر) استفاده کردیم.

رئیس حوزه هنری استان در این خصوص افزود: معتقدم سینماها ضرر بسیار کمتری از سوپرمارکتی‌ها، بی‌آرتی‌ها و... دارند، چراکه پروتکل‌های بهداشتی در سینماها به جد رعایت شده و از حداقل ظرفیت استفاده می‌شود.

وی با بیان این‌که خواسته ما از ستاد مقابله با کرونا نیز این بود که دیدگاه ویژه‌ای به بخش سینما داشته باشند، افزود: با تعطیلی سینماها، مخاطبان این حوزه به اماکن دیگری گسیل می‌شوند، در حالی که ما در سالن‌های سینمایی به طور کاملاً دقیق و جدی، پروتکل‌ها را رعایت کرده و به عنوان مثال می‌توانستیم ۵۰۰ نفری را که به سایر اماکن مثل پارک و... می‌روند را در پنج سالن با فواصل زیاد، مستقر کنیم.

وی با اشاره به محدودیت‌های قبلی اصناف و گروه‌های شغلی مبنی بر تعطیلی بعد از ساعت ۱۸ نیز گفت: تعطیلی بعد از ۱۸، به معنی تعطیلی کامل سینماها بود، چراکه تأیم فعالیت سینماها عموماً از ۱۶ تا ۲۲ است. بلاغی در ادامه تأکید کرد: البته ما تابع قانون بوده و محدودیت‌ها را نیز به جد رعایت می‌کنیم و هم‌اکنون نیز سینماهای حوزه هنری استان به طور کامل تعطیل هستند.

مواسات بانوی تبریزی در خرید بلیت‌های سینما

وی در بخش دیگری از سخنانش، با اشاره به مواسات بانوی تبریزی در خرید بلیت‌های سینما، اظهار کرد: در هفته جاری، یک بانوی تبریزی بخش زیادی از بلیت‌های سانس عصر سه سالن سینمایی(دو سالن پردیس سینمایی قدس و یک سالن سینما انقلاب) را به عنوان هدیه فرهنگی و در حمایت از سینما خریداری کرد.

وی با قدردانی از حرکت فرهنگی این بانوی خیر، گفت: این موضوع بیانگر آن است که مواسات و کمک مومنانه را باید به گونه‌ای ترویج کنیم که صرفاً محدود به نیازهای معیشتی و مادی نباشد، بلکه در حوزه هنر، تفکر و فرهنگ جامعه نیز اعمال شود.

رئیس حوزه هنری استان با تأکید بر این‌که حمایت از فرهنگ و هنر می‌تواند از ناهنجاری‌های جامعه جلوگیری کند، گفت: خرید بلیت‌های سینما توسط این بانوی خیر نیز به نوعی مواسات بود و امیدواریم که این حرکت‌های فرهنگی تداوم داشته و خیران به این حوزه نیز ورود کنند.

منظر

پرواز مرغ از سفره افراد کم درآمد

قیمت مرغ به حدود ۳۵۰۰۰ تومان رسید. پیام پورفلاح در طرح زیر فشار اقتصادی بر مردم را با افزایش قیمت های افسار گسیخته به ویژه بر روی کالاهای اساسی مانند مرغ به تصویر کشیده است.

